

محمد اسماعیل «یون»

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه پی از افغانستان



Ketabton.com

بر کردال به دری: مصطفی (عمرزی)

به نام آفریده کار بی همتا

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه یی از افغانستان

محمد اسماعیل یون

ترجمه ی مصطفی عمرزی

۱۳۹۴ شمسی

مشخصات کتاب

نام: انگیزه های فرار نخبه گان حرفه یی از افغانستان
نویسنده: محمد اسماعیل یون
مترجم: مصطفی عمرزی
تایپ و تصحیح: م.ع
دیزاین: م.ع
شمار صفحات: ۱۱۳
زبان: دری افغانی
نوبت نشر: دوم - ۱۳۹۴ش
ناشر: دانش خپرندویه ټولنه
نشر اول: ۱۳۹۳ش - انتشارات خیبر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

در این کتاب

- ۱- فرار مغزها..... ۱
- ۲- چاپ دوم این کتاب..... ۴
- ۳- پیشگفتار..... ۷
- ۴- آموزش و پرورش قبل از سال های اندوه..... ۱۲
- ۵- مرحله ی اول..... ۲۱
- ۶- مرحله ی دوم..... ۳۱
- ۷- مرحله ی سوم..... ۳۸
- ۸- مرحله ی چهارم..... ۵۰
- ۹- مرحله ی پنجم..... ۶۲
- ۱۰- کم رنگ شدن ارزش ها و سرعت فرار..... ۷۰
- ۱۱- رادیو- تلویزیون افغانستان..... ۷۵
- ۱۲- سازمان های اجتماعی- فرهنگی..... ۸۸
- ۱۳- اتحادیه ی هنرمندان..... ۸۸
- ۱۴- اتحادیه ی ژورنالیستان..... ۸۹
- ۱۵- انجمن حقوقدانان..... ۹۱
- ۱۶- انجمن نویسندگان..... ۹۲
- ۱۷- پوهنتون کابل..... ۹۵
- ۱۸- اکادمی علوم افغانستان..... ۹۹
- ۱۹- چند پیشنهاد و پایان..... ۱۰۱
- ۲۰- منابع و ماخذ..... ۱۰۶
- ۲۱- معرفی مترجم..... ۱۰۸

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۱

فرار مغزها

از روزی که مردمان کوچه و بازار در شئون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشور ما راه یافته اند، و از آن جایی که سرنوشت مردم ما را در دستان بی اختیار قرار داده اند، نقاش زمان، تابلوی زنده گی افغانان را تیره و تار ترسیم می کند.

اکنون که فضا و هوای کشور، رنگ و حال دیگر گرفته اند و فرصتی پیش آمد تا در یک تابلوی نو، نقاش زمان را وادار به تجدید نظر به منظر تار خویش کنیم رنگ ها، قلم ها و تابلوها نمی توانند نمای خوش گذشته را دوباره زنده بسازند.

آری! فرار مغزها، مجال ما را گرفته است. در یک شانس دیگر، نمی توانیم فرصت های پیش رو را در فرض کردار، از آن خویش سازیم. کشتار گروهی، زندان، تحقیر، توهین و هتک حرمت سازنده ترین و اثرگذارترین اقشار میهن ما باعث شدند در درازنای پی آمد مصایب، همچنان به خاطر روزهای خوش گذشته غصه دار باشیم تا با اندوه ناتوانی ها آسیب های ما فزون شوند.

در جریان ده سال اخیر، از مهمترین مُعضلاتی که در برابر زمامداران قرار داشت، مسئله ی «کار به اهل کار» بود؛ اما حکومت جدید در حالی که در هاله ی مردمان کوچه و بازار، باجگیر و معامله گر قرار گرفته است، کمتر در پی کسانی ست که اهل کار اند.

در کشوری که قشر چیز فهم به تناسب مردمان معمولی و کوچه و بازاری خیلی کمتر است، از هنگامه ی خداستیزان ملحد و وطنفروش

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه یی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۲

تا پایان ترنم اخوانی، همان قشر ناچیز، ولی چیز فهم، بیش از هر گروهی سایه ی مرگ، پشت میله های زندان، هجرت، درد، تحقیر، توهین و هتک حرمت دیده است.

اکنون که سالیان زیادی ست از هم پاشیده گی شیرازه ی طبقه ی نخبه گان ما می گذرد، خیلی ها دیر و نا به هنگام، در جست و جوی کسانی استیم که اکثر زنده گان شان در روزشمار زمان که در نهایت ارمغان مرگ دارد، در بستر ناتوانی افتیده اند و بر رفته گان و شهیدان نیز چیزی جز «خدا بیامرزد شان!» نداریم.

در حالی که هزاران سخنرانی مهیج و انتقادی کرده ایم، فراموش می کنیم که از انگیزه های پریشانی و سرنگرفتن رونق گذشته، نبود کسانی نیز است که روزی با پول و حیثیت این کشور، کسب دانش کرده بودند.

جامعه ای که به خاطر پایه ها و بقا، نتواند نخبه گان حرفه یی به بار آورد، جامعه ای ست که جز بر تن نادار، گدا، محتاج و نیازمند نیاید.

کتاب «انگیزه های فرار نخبه گان حرفه یی از افغانستان»، تلخیص مصیبتی ست که اهل کار ما را ربودند و در عوض، سرنوشت ما را در دست کسانی گذاشتند که بیشتر در مقامات و منازل کسر شان، بهتر بود گله بانی، پادوی، عمله گی و دوکانداری می کردند؛ زیرا کمتر معمول بوده است قصاب را به جای طیب بگمارند.

سخن به درازا نرود، در چهارمین تجربه ی ترجمه ی کتاب ها، ترجمه ی دری این کتاب مهم را که خیلی زودتر باید صورت می

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۳

گرفت، دوازده سال پس از نخستین انتشار آن که با پیام واضح صادر شده بود تا جهت وقایه، بیش از همه متوجه اقشار نخبه ی خویش باشیم، تقدیم هموطنان می کنم.

سوگمنده نخبه گشی، هنوز هم بدترین مصیبت جاری کشور ماست. طرف های درگیر که در منجلاب ایدیا لوزی های وارده گیر مانده اند، بیش از همه قشر نخبه را دشمن می پندارند؛ زیرا نخبه گان می دانند و کار شان، جامعه را به صراط مستقیم می کشاند.

مصطفی عمرزی

۱۳۹۰/۸/۲۴ ش

کارته ی آریانا، کابل - افغانستان

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۴

چاپ دوم این کتاب

این کتاب را در سال های نخست زمامداری طالبان، تالیف کرده بودم که در سال ۱۳۷۸ش از سوی مرکز مطالعات افغانستان در پشاور، به نشر می رسد. همین طور- تا سال ۱۳۷۸ش- چند مرحله ی زمامداری طالبان را نیز در بر می گیرد.

از سال ۱۳۵۷ش تا هنگام تالیف این کتاب (۱۳۷۸ش) در زمامداری هر گروهی، افغانستان- کدر های علمی زیادی را از دست داده است. من که در تمام جریان تراژیدی در آغوش کشورم می زیستم، در کنار سایر ویرانی ها، از زیان های رسیده به مراکز علمی و فرهنگی، بسیار در عذاب بودم. بنا بر این در هر کجایی که زیانی به مراکز علمی و فرهنگی می رسید، یادداشت می گرفتم. بر اساس همین یادداشت ها، این کتاب و یک اثر تحقیقی دیگر (خسارات وارده به فرهنگ افغانستان) منتشر شده اند.

در واقع اگر جامعه ای از رهگذر ذهنی زیانمند و از هم پاشد، بازسازی آن بسیار دشوار خواهد بود. احیای ویرانی های فزینگی با افکار صورت می گیرد، ولی احیای توان فکری با اعمال صورت نمی گیرد. کتاب «انگیزه های فرار نخبه گان حرفه از افغانستان» را به لحاظ درک همین خطر، تالیف کرده ام. اکنون نیز این خطر را احساس می کنیم. فرار مغزها از کشور، چه یک بیماری رنج آور است!

در جریان چند سال اخیر، با وجود این که در ساحات زیادی بیش از ۶۲۵ مکتب مسدود و سوزانده شدند و این جریان همچنان ادامه دارد،

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۵

اما آرزومندی وجود دارد مراکز آموزش و پرورش افزایش یافته و میلیون ها افغان در آن ها به فراگیری دانش مشغول شوند. افزون بر این، شمار زیاد افغانان آموزش دیده از خارج، دوباره به وطن برگشته و در عمران کشور خویش مصروف شده اند. به این گونه، آن آرمان ها و خواست هایی که در پایان این کتاب آمده اند و بخشی هنگام تالیف، آرزویی بیش نبودند، اکنون جامه ی عمل پوشیده اند.

در حاکمیت طالبان، تنقید نارسایی ها به معنی بازی با زنده گی بود. با آن هم در آن زمان نیز به حد توانم زیان های رسیده به بخش های علمی و نخبه گان را بیان کرده ام.

این که این کتاب، ده سال پس از چاپ نخست، دوباره چاپ می شود، نمی خواهم تغییرات ویژه ای بر آن وارد کرده، رنگ نو به رنگ های سیاسی و اجتماعی گذشته بمالم. هر نگارشی، رنگ و کیفیت زمان خود را دارد. خلط رنگ های کنونی با گذشته، مسوولیت و رسالت قبلی نویسنده را کمرنگ می سازد. بنا بر این نمی خواهم گذشته ی فرهنگی ام را رنگ و وارنگ بسازم.

در این کتاب، فقط به بعضی از نارسایی های چاپی و نگارشی پرداخته و در محتوای آن هیچ تغییری وارد نکرده ام. به هر حال، قضاوت در باره ی این کتاب را به خواننده گان واگذار می کنم، اما در باره ی اوضاع کنونی بی تفاوت نیستم. خواننده گان می توانند شرح اوضاع کنونی را در سایر کتاب هایم نیز مطالعه کنند.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۶

کتاب ها برای صاحبان آن (نویسنده گان / مولفان) همانند فرزندان خوش اند. آن ها حیثیت فرزندان را دارند که پدران و مادران شان دشواری ها و مشکلات زیادی را متحمل شده اند. بنا بر این، فرزندان که راستکار اند و موثر برای میهن، به درستی که آفریده های پُر ارزش پدر و مادر شمرده می شوند.

من تمام کتاب هایم را با خون دل گردآورده ام، ولی «خسارات وارده به فرهنگ افغانستان» و اثری که در دست شماست، برایم بسیار پُر بها و مهم اند؛ زیرا در آن ها تمام درد ها و غم های سرزمینم نهفته اند. سیمای زار سرمایه های فکری و معنوی کشورم را در همین کتاب ها پرداخته ام:

«چه کسانی با فرهنگم چه کردند؟ چه کسانی، داشته های فرهنگی ام را به غارت بُردند و چیز هایی را که داشتم، اکنون ندارم!»
به تمام این پرسش ها- به اندازه ای توانم- در این دو اثر، پاسخ گفته ام. در پایان، از تمام وطنداران و مسوولان امروز و فردا، توقع دارم برای حفظ و توسعه ی داشته های فرهنگی ما، بیش از هر زمینه ای توجه کنند. همین راه/ چاره، اساس آسایش و پیشرفت مردم است.

محمد اسماعیل یون

۱۳۸۷/۱۱/۲۴ ش

ارگ، کابل - افغانستان

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۷

پیشگفتار

سال های ۱۳۵۷ش - ۱۳۷۷ش در تمام تاریخ افغانستان، به ویژه در تاریخ معاصر، از بدترین، دشوارترین، بحرانی ترین، پیچیده ترین، اندوهبارترین، درد آورده ترین و غم انگیزترین هاینده. در همین سال ها مصایب و ناگواری ها توسعه و مدنیت نو افغانان را محکوم به فنا و امید های خوش را نیست کردند.

ماه دوم سال ۱۳۵۷ش بود که ناگهان مصیبتی وارد می شود و در ۲۶ جدی سال ۱۳۵۸ش با تجاوز بیرونی، به مرحله ی نو و کامل می رسد. در متن مصایب، در ۱۴ ثور سال ۱۳۶۵ش می باشد که به گونه ای نیاز به یک تغییر نمادین، رونما می شود. همچنان در ۸ ثور سال ۱۳۷۱ش، یک روز پس از آغاز این مصیبت، اما با رنگ سفید، مصیبت دیگری بر مردم رنج دیده ی ما تحمیل می شود. این مصیبت، چهار سال ادامه می یابد و آن چه از مصایب گذشته آباد و درست مانده بودند، یکی پی هم چور و چپاول شده و همه را در دریای نابودی، سرازیر می کنند. مصایب به همین گونه ادامه یافتند. آن ها را به هر سویی به خاطر نفرت، ویرانی و وحشت، پخش می کردند.

افغانستان و افغانان در جریان مصایب رنج دیدند و چیزهای زیادی را از دست دادند. دارایی های مادی آنان تباہ شد. بیش از پنجمد پُل از میان رفتند. به هزاران کیلومتر جاده ی پخته نابود و بیش از دو هزار فابریکه ی خورد و کوچک، نیست می شوند. سه هزار و پنجمد مکتب ویران و سوزانده شدند. جلو آموزش هفت میلیون تن گرفته شد. شش

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۸

میلیون، مجبور به هجرت شده اند. به شمول مرکز، بیش از سی شهر
قسماً و بعضی به گونه ی کامل ویران می شوند. یک و نیم میلیون تن
کشته شدند. یک و نیم میلیون مجروح، معیوب و معلول می شوند. به
صدها کتابخانه ی بزرگ، متوسط و شخصی از میان رفته اند. بیست
میلیون کتاب نابود و چپاول شدند. یگانه موزیم ملی و چند موزیم
محلی تاراج و بیش از یک صد و بیست هزار اثر تاریخی این موزیم ها
به غارت برده می شوند. بیش از بیست هزار نسخه ی تاریخی، هنری و
علمی برباد و به هزاران تابلو و آثار هنری سوزانده شدند. به تَن ها ز
سرخ و سفید از کشور بیرون و به میلیون ها تَن آهن و به صد ها تَن
مس، به بهای ناچیز بالای همسایه گان به فروش رفته اند. اردو با
تجربه ی دو صد ساله از هم پاشید. به صدها هزار موتر دولتی و شخصی
تخریب، تجارت و ذوب شدند. به عصیت های قومی، عقیده یی و
سیاسی، به شدت دامن زده شد. برای ایجاد هرج و مرج در توازن قومی
و ملی، تلاش کرده اند. بالای منابع مصنوعی قدرت، اتکا شده است.
بیش از چهارده موسسه ی خورد و کوچک آموزش های عالی در
کوتاه مدت و بلندمدت از کار مانده اند. موانعی را قصداً در برابر ترقی
و تعالی گذاشته اند. به خاطر تضعیف و توهین ارزش های اجتماعی و
فرهنگی، کوشش ها کرده اند. به حیثیت جهانی کشور، صدمات زیادی
رسیده اند. بیست مرکز بزرگ چاپ و نشرات ویران شدند. بیش از
بیست دستگاه رادیویی و هفت دستگاه تلویزیونی قسماً و کاملاً
تخریب شده اند. اکثر مردم کشور با انواع بیماری های صحتی و روانی،

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه یی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۹

دشواری های اقتصادی و سایر ناملایمات رو به رو شده اند. کوتاه این که چنان مصایبی بر افغانان آمد که نه در تاریخ گذشته ی شان نمونه داشتند و نه در تاریخ جهان، بسیار مثال دارند.

چنان چه در جریان مصایب جنگ، اکثر مراکز فرهنگی، علمی و اقتصادی ویران، تخریب و تاراج شدند، تندباد مرگ و درد از سر نخبه گان حرفه یی و فرهنگی نیز گذشت.

به هزاران نخبه ی حرفه یی زندانی و شکنجه و در مراحل مختلف و به بهانه ی های مختلف از کار برکنار و هزاران تن دیگر مجبور به ترک زادگاه خویش شده اند. تعداد بی حساب افغانان آموزش دیده در جهان پراکنده شدند و سرزمین آنان از کار و تجربیات شان بی بهره ماند.

من همانند یک علاقه مند و عاشق فرهنگ و عمران کشورم تا کنون در آغوش آن به سر می برم. من اعمال زشت دو دهه ی حکومت مختلف در برابر مردم، به ویژه برخورد نادرست با وطنداران آموزش دیده را در هر مرحله ای شاهد بودم. آن ها به هزاران و حتی صدها هزار افغان آموزش دیده را مجبور به ترک وطن کرده اند. حالا کشور ما به لحاظ نخبه گان حرفه یی با خلای بزرگی رو به رو است. هر حکومتی که در آینده به خاطر بازسازی، تامین زنده گی و آسایش اراده داشته باشد، به اثر نبود نخبه گان حرفه یی، با دشواری های زیادی رو به رو خواهد شد.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۱۰

در این کتاب به اندازه ی ممکن، اما مختصراً، نوعیت و میزان فرار نخبه گان حرفه بی کشور در مراحل مختلف تحقیق و به خاطر بازگشت شان، بحث ها و پیشنهاد هایی ارائه شده اند.

قابل یادآوری می دانم که اندوه و احساس ملی ام مرا به خاطر تالیف این کتاب وادار کرده اند. در شرایط ضیق کنونی، تالیف یک اثر کامل، ناممکن است؛ زیرا یافت منابع، بسیار گران و حتی خارج از امکان می باشند. در کشور ما به هر چیزی زیان وارد شده است.

وقتی پیرامون نوعیت فرار نخبه گان بحث می شود، جست و جوگر به خاطر یافت معلومات، مجبور می شود به جا هایی مراجعه کند که اکثراً زیان دیده اند.

حالا اگر کسی بخواهد در زمینه ی زیان های رسیده به افغانستان، پژوهش و بررسی همه جانبه کند، با دشوار های زیادی رو به رو می شود. او فقط پس از پیمودن مسافت زیاد در تاریکی ها، شاید اندکی موفق شود چیزی به دست آورد. من نیز با همین دشواری ها رو به رو بوده ام. برای دریافت هر موردی، چندین مراتبه به ادارات مربوطه مراجعه کرده ام، اما از آن جایی که چیز های زیادی از میان رفته بودند، از دریافت همه عاجز آمدم.

این چند برگ را در روشنایی آن چه به دست آمده است، نوشته ام. با این کتاب تا اندازه ای می شود سراغ نشانی هایی رفت که در بخش فرهنگ، به ویژه بر سر نخبه گان حرفه بی چه گذشت و چه می گذرد؟

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۱۱

در این کتاب، بالای نخبه گان حرفه بی کشور، پیش از آغاز مصایب و
جریان آن ها نیز سخن خواهیم گفت!

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۱۲

آموزش و پرورش قبل از سال های اندوه

قبل از هفت ثور سال ۱۳۵۷ش، جامعه ی ما به گونه ی نسبی از ثبات برخوردار بود. همین ثبات باعث می شود پیشرفت های اجتماعی و فرهنگی و موفقیت هایی در سایر بخش های زنده گی، نصیب مردم ما شوند.

افغانستان در گروه کشور های در حال رشد، با سرعت، مراحل پیشرفت را طی می کرد. موقف کشور ما در عرصه ی بین المللی، درخشان و روشن بود. حکومات وقت، بیشترین توجه خویش را بر پیشرفت جامعه، عام کردن آموزش و پرورش و همانند آن ها معطوف کرده بودند.

وقتی در سال ۱۳۵۲ش، اعلام جمهوریت شد، نظام نو، برنامه ها و اصلاحات جدید را به خاطر نظام معارف نیز وعده کرد. کار، آغاز یافت. به جای کمیت، بالای کیفیت توجه شد. بر این اساس در سال ۱۳۵۲ش، مکاتب جدید تاسیس شدند. از مکاتب قبلی نیز به طور کامل، استفاده صورت می گرفت. شمار متعلمان که در سال ۱۳۵۱ش ۱۴۷ هزار تن بود، به ۱۶۰ تن افزایش می یابد.

اصلاحات نو معارف به تاریخ ۳۰ حوت سال ۱۳۵۳ش آغاز شدند. نکات مهم این اصلاحات، به وجود آوردن معارف پیشرفته بود تا پاسخگوی نیاز های وقت جامعه ی افغانی بوده و جوانان را به گونه ی موثر، تنویر کنند. بر اساس این اصلاحات، آموزش ابتدائیه که اجباری

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۱۳

و مجانی بود، از شش سال به هشت سال ارتقا یافت. دوره ی متوسطه مجزا شده، دو صنف به دوره ی ابتداییه مرتبط می شود. در این صنوف، آموزش های نظری و حرفه یی و آگاهی های محیطی شامل بودند. فارغان صنوف هشتم بر اساس کانگور برای آموزش در دوره های ثانوی و مسلکی جذب می شدند. همچنان به متعلمان ناکام، حق اشتراک در کانکور دیگر داده می شد.

بر اساس اصلاحات نو، دوره ی ثانوی چهار ساله شد. در صنف نهم ساینس و اجتماعیات به خاطر آماده گی و انتخاب حرفه، ویژه شدند. در این دوره جهت تغییر لیسه های خصوصی به لیسه های عمومی، اقدام می شود. همچنان مقرر شد که معلمان باید دارای لیسانس و آموزش های بلندتر از آن داشته باشند. تمام موسسات در اختیار دولت بودند. وزارت معارف، فعالیت های آموزشی را جلو می برد.

در اصلاحات نو، متعهد شده بودند که دولت، مکلفیت دارد زمینه های آموزش را برای تمام افغانان میسر کرده و اداره ی معارف متکی بر اصل «مرکز محور» باشد.

در سال ۱۳۵۹ش ۹۰ مکتب روستایی و ۲۵ مکتب نو ابتداییه، اعمار شدند. ۱۱۶ مکتب یک معلم، به دو معلم، ۲۵ مکتب دو معلم به سه معلم و ۹۷ مکتب روستایی به سطح ابتداییه ارتقا یافته اند. ۱۹۰ کورس بزرگسالان در کابل، ۴۱ باب در بغلان و ۳۴ باب دیگر در کوهدامن تاسیس می شوند.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۱۴

بر اساس اصلاحات نو معارف در سال ۱۳۵۴ش ۲۹۴ مکتب، دارای صنوف شش و ۳۳ مکتب روستایی، هشت صنفه شدند. همچنان ۹ مکتب متوسطه به مکاتب ابتدائیه مبدل می شوند. مبنی بر اصلاحات نو، بالای برنامه های بعضی مکاتب، بازنگری صورت می گیرد.

دولت جمهوری، به خاطر تمویل امور آموزش روتین در سال های ۱۳۵۳-۱۳۵۵ش، بودجه ی زیر را منظور کرده بود:

نوع بودجه / سال ها	۱۳۵۳	۱۳۵۴	۱۳۵۵
عادی	۹۱۰/۷	۱۱۰۰/۰	۱۴۳۰/۰
انکشافی	۷۸/۱	۱۳۸/۸	۲۳۳/۲
مجموع	۹۸۸/۸	۱۲۳۸/۸	۱۶۶۳/۲

بعضی از شاخصه های مهم آموزش و پرورش در این دوره:

شمار / سال ها	۱۳۵۳	۱۳۵۴	۱۳۵۵
۱- متعلمان	۸۲۱۶۰۶	۸۲۲۸۸۰	۹۲۸۰۲۶
۲- مکاتب	۴۰۸۵	۴۰۹۸	۴۰۰۶

الف- مکاتب روستایی:

۱۹۰۵	۱۸۸۱	۱۷۳۵
------	------	------

ب- مکاتب ابتدائیه:

۱۴۶۸	۱۸۲۲	۱۸۷۳
------	------	------

ج: مکاتب ثانوی:

۷۱۲	۳۹۲	۳۹۸
-----	-----	-----

۳- شمار معلمان

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۱۵

۲۶۶۷۸	۲۴۶۶۵	۲۴۷۴۵
		الف- مکاتب روستایی:
۲۴۲۶	۱۴۰۸	۲۷۴۲
		ب- مکاتب ابتدائیه:
۱۷۹۲۰	۱۵۸۳۲	۱۴۸۷۳
		ج: مکاتب ثانوی:
۶۳۲۱	۷۴۲۵	۷۱۷۶
		۴- شمار متعلمان به تناسب معلمان:
۳۵/۱۷	۳۵/۳۸	۳۳/۲۰
		۵- فارغان صنوف دوازده:
۱۴۵۶۲	۱۳۸۴۵	۱۲۸۴۸

در مورد مکاتب ثانوی، قابل یادآوری ست که در سال ۱۳۵۳ش ۱۹۶، در سال ۱۳۵۴ش ۱۹۷ و در سال ۱۳۵۵ش ۱۹۹ مکتب متوسطه به لیسه ارتقا یافته اند.۱

بر اساس یک احصائیه ی سال های ۱۹۷۵-۱۹۷۶م در افغانستان، ۱۹۱۳ مکتب روستایی، ۱۵۱۷ مکتب ابتدائیه، ۵۱۲ مکتب متوسطه، ۱۹۷ لیسه، ۱۷ مکتب حرفه بی، ۱۰ اکادمی معلم (دارالمعلمین)، ۱۹ مدرسه ی دینی

۱- حبیب الله رفیع، آغاز و انکشاف آموزش های عصری در افغانستان، پشاور، سال ۱۳۷۷ش، صص ۱۰۸-۱۱۰.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۱۶

و ۱۴ موسسه ی آموزش عالی وجود داشتند. ۱ بر اساس یک احصائیه ی دیگر، تنها در سال ۱۹۷۷م، تعداد اکادمی های معلم، به ۱۵ باب ارتقا یافته اند.

در دوره ی جمهوری، بودجه ی وزارت تحصیلات عالی به پول افغانی، به گونه ی زیر، منظور شده بود:

۱۳۵۵	۱۳۵۴	۱۳۵۳	بودجه / سال ها
۲۴۹/۰	۲۱۶/۴	۲۱۰/۴	عادی
۲۴۹/۷	۷۲/۸	۶/۵	انکشافی
۳۲۵/۷	۲۸۹/۱	۲۱۶/۸	مجموع

در طرح پنجساله ی دوم، ۹۰۰ میلیون افغانی را برای پوهنتون و پولیتخنیک، منظور کرده بودند.

در سال ۱۳۵۳ش، تمام محصلان و استادان پوهنتون کابل، ۷۷۹۸ تن بودند. از این میان ۷۴۲ تن دختر و ۶۳۹ تن، استاد می باشند.

تعداد محصلان پوهنتون ها در سال های ۱۳۵۰ش - ۱۳۵۲ش:

۱۳۵۲	۱۳۵۱	۱۳۵۰	بخش ها / سال ها
۱۱۲۳	۱۲۰۵	۱۱۷۳	طب:
۶۳۵	۷۳۵	۵۵۳	زراعت:
۲۰۸۳	۲۵۹۱	۲۳۲۱	ساینس:
۳۵۱۹	۳۳۲۴	۲۹۶۳	علوم اجتماعی:

۱- شبآهنگ، بازسازی نهاد های فرهنگی افغانستان، انجمن نویسنده گان افغانستان آزاد، پشاور، سال ۱۳۷۶ش، صص ۷ و ۸

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۱۷

۱۸۱۵	۱۹۶۴	۱۴۰۵	دارالمعلمین ها:
۹۱۷۵	۹۸۱۷	۸۴۱۵	مجموع:

در همان زمان، تعداد استادان داخلی و خارجی پوهنتون، به گونه ی زیر بود:

۱۳۵۲	۱۳۵۱	۱۳۵۰	شمار / سال ها:
۷۲۰	۸۱۶	۹۱۰	استادان داخلی:
۱۷۱	۱۷۶	۱۹۸	استادان خارجی:
۸۹۶	۹۹۲	۱۱۰۸	مجموع:

افزون بر این، پوهنتون ننگرهار، انستیتوت صنعت و اداره، پولیتخنیک و اکادمی عالی معلمان نیز شامل می باشند.

شمار محصلان پوهنتون در دوران جمهوریت، به گونه ی زیر است:

۱۳۵۵	۱۳۵۴	۱۳۵۳	پوهنځی / سال ها
۹۸۷	۸۳۰	۷۴۴	طب کابل:
۴۴۷	۵۲۴	۵۶۵	حقوق:
۷۴۷	۵۹۵	۴۷۱	اقتصاد:
۹۷۶	۱۰۲۰	۱۵۳۶	ادبیات:
۳۲۹	۲۷۶	۵۷۱	شرعیات:
۷۵۳	۶۸۱	۵۸۱	انجینیری:
۷۵۶	۶۴۸	۶۸۲	زراعت:
۱۱۰۱	۱۰۹۷	۹۴۵	علوم اجتماعی:
۲۸۸	۲۵۴	۲۲۳	فارمسی:

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۱۸

۲۹۶	۱۹۸	۱۰۲	وترنری:
۱۱۵۸	۱۱۶۸	۱۱۱۷	پولیتخنیک:
۶۰۱	۵۴۳	۴۴۳	طب ننگرهار:
۸۴۵۶	۷۸۲۴	۷۶۸۰	مجموع:
			فارغان:
۱۳۵۵	۱۳۵۴	۱۳۵۳	شمار / سال ها
۵۵	۵۱	۸۰	طب کابل:
۵۵	۱۲۶	۱۷۱	حقوق:
۴۱	۶۷	۶۸	اقتصاد:
۳۰۲	۲۹۷	۳۵۵	ادبیات:
۶۶	۲۸	۴۶	شرعیات:
۶۹	۶۸	۴۲	انجنیری:
۸۵	۵۹	۹۱	زراعت:
۱۷۸	۲۳۰	۲۶۰	علوم اجتماعی:
.	.	.	فارمسی:
.	.	.	وترنری:
۱۹۳	۱۴۸	۱۰۹	پولیتخنیک:
۸۹	۵۹	۳۸	طب ننگرهار:
۱ ۱۱۹۴	۱۱۵۷	۱۳۸۸	مجموع:

۱- حبيب الله رفيع، آغاز و انكشاف آموزش های عصری در افغانستان، پشاور، سال ۱۳۷۷ش، صص ۱۱۶-۱۱۷.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۱۹

افغانستان قبل از سال ۱۳۵۷ش با سرعت زیاد، خلای ناشی از نخبه گان حرفه بی را پُر می کرد. شمار زیاد محصلان برای آموزش عالی، به کشور های مختلف جهان، گسیل شده بودند. افغانستان با کشور های زیادی پیوند دیپلماتیک داشت. بنا بر این همکاری و کمک های آن کشور ها در بخش آموزش و پرورش، آشکار بودند.

موسسات آموزش های عالی کشور، به ویژه پوهنتون کابل با تعدادی از پوهنتون های نامور جهان، پیوند های علمی و مشارکتی داشت. هر سال، استادان پوهنتون را جهت فراگیری هرچه بیشتر آموزش های عالی، به خارج گسیل می کردند.

از نوعیت و درجه ی آموزش استادان آن زمان پوهنتون کابل، آشکار می شود که تقریباً هشتاد در صد ماستری و دکتورای خویش را از کشور های خارجی، به دست آورده بودند. بعضی آموزش های پایین تر از ماستری را نیز از خارج دریافته اند.

در آن زمان، سطح زنده گی اجتماعی، به اندازه ای بلند بود که جامعه ی ما در عرصه ی افراد آموزش دیده، به تناسب بسیاری از کشور ها، قناعت بخش بود. آموزش و پرورش، حامی و ارزش مادی خود را داشتند. موقف اجتماعی هر کسی روشن بود و خود را در جامعه حس می کرد؛ زیرا اکثر افغانان و حتی آنانی که در این مدت در خارج، آموزش یافته بودند، هیچ کدام در خارج مقیم نشدند. آنان دوباره به کشور برگشته و به کار پرداخته اند.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۲۰

در آن زمان، سطح اقتصاد افغانستان، چنان بود که یک شخص آموزش دیده، به ویژه استاد پوهنتون، از هر نگاه می توانست زنده گی خویش را تامین کند. یک استاد در باره ی وضعیت اقتصادی استادان آن زمان پوهنتون کابل، می گوید: «به اندازه ی کافی معاش می پرداختند. در پول افغانی نیز نیرویی وجود داشت که من از پس انداز پول های معاش و حق الزحمه ام، یک خانه ی دو طبقه در کارته ی پروان، اعمار کردم.»

در بخش تقرر نخبه گان حرفه بی نیز از عدالت کار گرفته می شد. به جز بعضی از پُست های مهم اداری و سیاسی، در پُست های علمی، حرفه بی و تخنیکیی، اهل آن ها گماشته می شدند. فرار نخبه گان حرفه بی از کشور، حتی در خواب و خیال نیز نمی گنجید. در کُل، دوره ی جمهوریت در افغانستان، به خاطر آموزش و پرورش اهل کار و تقرر در زمینه ی تحصیل، دوران خوبی به شمار می رود. هیچ ضیاعی وجود نداشت. فعالیت ها جهت پرورش نخبه گان جدید با سرعت جریان داشتند.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۲۱

مرحله ی اول

(ثور ۱۳۵۷ش - دلو ۱۳۵۸ش)

اولین روز تراژیدی کنونی افغانستان، هفت ثور سال ۱۳۵۷ش است. در این روز، نظام جمهوری واژگون می شود و به جای آن، زمامداری تک حزبی یا «حزب دیموکراتیک خلق» به وجود می آید.

چنان چه تغییر رژیم توسط عمل نظامی انجام یافته بود، از همان آغاز، خون جاری می شود. زمامدار جدید با شمشیر آغشته به خون دیگران، داخل ارگ می رود و بر کرسی قدرت می نشیند. توام با آن، هرج و مرج ذهنی و نظامی ایجاد و آهسته آهسته تمام شریان های حیات سیاسی و اجتماعی کشور را در بر می گیرند.

این مدت در افغانستان به لحاظ باور ها، اولین مرحله ی شدید تقسیم متضاد جامعه است. زمامدار جدید که ساختار سالم و امکانات دولتی را به دست آورده بود، پیش از همه، سعی می کند دشمنان فکری، سیاسی و به اصطلاح آنان «عقیده یی» را سرکوب کند. بنا بر این، اولاً به «تصفیه ی» مخالفان خویش از دستگاه دولتی، کمر می بندد.

در آن هنگام، گمان می رفت کسانی که عضویت حزب حاکم را نداشته باشند و یا سیاست های آن را نپذیرند، به اصطلاح «انقلابی»، «مترقی» و «وطن پرور» نبوده، ویژه گی «ارتجاعی» دارند. نخستین آماج این مرحله، متوجه افراد یا نخبه گان حرفه بی ای بود که در دولت کار می کردند، ولی با حزب حاکم، پیوند فکری نداشتند. حزب حاکم،

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه یی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۲۲

تعداد زیاد افراد این طیف را زندانی، از پُست های دولتی و مسلکی برکنار و شماری را به مهاجرت و فرار، مجبور می کند.

افزون بر بخش ملکی، در بخش نظامی نیز به نام تشکیل «اردوی خلقی»، تعداد بی شمار نخبه گان آموزش دیده محکوم به مرگ، زندانی، فراری و یا هم از پُست های مناسب حال شان، برکنار شدند. این وضع بر آن موسسات علمی دولت نیز وارد آمد که پیوند زیادی با سیاست نداشتند و تنها امور فرهنگی و علمی را مدیریت می کردند.

در این فاصله، بسیاری از نخبه گان حرفه یی و نویسندگان نامور افغانستان، زیر خاک شدند. محمد موسی شفیق (صدر اعظم پیشین)، یوسف میرنی، سیلاب ساپی و دیگران، از صدها نمونه اند.

در فهرست هزاران افغانی که پس از ۲۵ سنبله ی ۱۳۵۸ش منتشر شد، نام های آن کشته شده گان و مفقود شده گانی آشکار می شوند که اکثراً نخبه گان حرفه یی، افسران کار کشته ی نظامی، رهبران قومی و افغانان آگاه بودند.

در این مدت از ۶۰۰ استاد پوهنتون کابل، ۶۵ تن، سر به نیست می شوند که در آن هنگام تقریباً یازده درصد استادان پوهنتون را تشکیل می دادند. فقط از پوهنخی ادبیات و علوم بشری، دکتور شجاعی، محمد علم امله بار، خانباز تنی وال، امیر محمد مومند و خان آباد وزیری از سوی زمامداران گرفتار و مفقود شده اند.

چنان چه یک دولت سالم و امکانات حکومتی در دست حزب حاکم، قرار گرفته بودند، آنان می توانستند از آن ها برای اهداف فکری و

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۲۳

زورسالاری، هر گونه استفاده کنند. در این مرحله، تنگنای فکری به مرحله ای رسیده بود که هیچ کسی حق بیان هیچ نوع سخن و هیچ نوع نظری را نداشت. هر بیان سیاسی و اجتماعی، به گونه ی دیگر تعبیر می شد. برای زندانی کردن، یک بهانه ی کوچک نیز کافی بود.

در این مرحله، مکتب، پوهنځی و تمام مراکز تولیدی و دولتی تحت کنترل حزب حاکم قرار داشتند. کشور هنوز به میدان خیزش های سراسری مبدل نشده بود. زمامداران می توانستند حتی در مناطق و روستاها، قدرت را مهمیز زده و از داشته ها و دست آورد های ملی برای مرام خود کار بگیرند. در این مرحله - به تناسب سال های اخیر - ساختار دولتی سالم مانده بود؛ زیرا آغاز ناهنجاری ها بود.

در سال ۱۳۵۸ش تمام نفوس مقیم کشور، سیزده میلیون و پنجاه و یک هزار تن تخمین می شد. در این جمله، کسانی که مستعد کار بودند، میان ۱۵ - ۵۹ سال عمر و رقم ۶۳۳۳ هزار تن، نشان داده شده اند. همچنان نیروی بشری فعال در امور و بهره ی اقتصادی، ۴۹۵۰ هزار تن تخمین شده است.

شمار فعالان مصروف در امور اقتصادی، ۴۵۹۱ هزار تن نشان داده شده است. از این میان، ۴۰۷۳ هزار تن در بخش تولید و ۵۱۸ هزار تن در بخش غیر تولیدی، شناسایی می شوند. ۱.

۱- گزیده ی شاخص های احصائیه یی، ریاست نشرات وزارت احصائیه، کابل، سال ۱۳۷۰ش، ص ۸.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۲۴

محصول ناخالص ملی که در سال ۱۳۵۷ش از آن بهره برداشته شده بود، ۱۵۹,۱ میلیارد افغانی و محصول تولیدی ناخالص ملی، ۱۴۲,۹ میلیارد افغانی بود. ۱ قابل یادآوری ست که در آن هنگام، ارز افغانی ارزش خود را داشت. یک دالر امریکایی با پنجاه افغانی، مبادله می شد.

در سال ۱۳۵۷ش، آن عواید ملی که از آن ها بهره گرفته شده، ۱۱۱,۷ میلیارد افغانی و عایدات تولید داخلی، ۹۵,۵ میلیارد افغانی بودند. ۲ در همان سال، محصولات مالداري به لحاظ گوشت ۱۹۵ هزار تن، شیر ۷۹۲ هزار تن و برنج ۲۲,۷ هزار تن می شدند. ۳ همچنان ارزش تولیدات مشترک صنایع دولتی و سکتور مختلط، ۱۳۴۳۲,۵ میلیون افغانی بود. ۴ ارزش مجموعی تولیدات صنایع سکتور خصوصی، ۴۱۴۴,۰ میلیون افغانی می شد.

در باره ی حمل و نقل باید گفته شود که ۲۲,۱ هزار عراده لاری، ۱۲,۳ هزار بس، ۳۰,۷ هزار موتر سنگین و ۹,۵ هزار موتر تکسی وجود داشتند. ۵

۱- همان، ص ۹.

۲- همان، ص ۱۱.

۳- گزیده ی شاخص های احصائیه یی، ریاست نشرات وزارت احصائیه، کابل، سال ۱۳۷۰ش، ص ۲۰.

۴- همان، ص ۲۷.

۵- همان، صص ۳۰-۳۱.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۲۵

در سال ۱۳۵۷ش، حجم تجارت خارجی افغانستان، ۷۴۷ میلیون دالر و ارزش واردات خارجی، ۶۸۱،۴ میلیون دالر بود. ارزش واردات نقد، ۴۲۰ میلیون دالر می شد.

منظور از یادآوری این ارقام این است که در سال های ۱۳۵۷-۱۳۵۸ش، دستگاه دولتی سالم و هنوز هم کشور به گونه ی کامل از دنیا گسسته نشده بود. با وجود اختناق فکری، جبر و انواع ستم، بخش اقتصادی کشور، بسیار ضعیف نبود؛ ولی آهسته آهسته به سوی ناتوانی افت می کرد.

به هر حال، وجود امکانات، زمامداران را توانایی می بخشیدند در اکثر بخش های کشور، حرکات مخالفان فکری و یا هم افراد دارای نفوذ، به ویژه نخبه گان حرفه بی را بررسی و تحت نظر داشته، آنان را زندانی و یا هم به مرگ محکوم کنند.

زمامداران آن زمان بر اساس مشی خویش (ایدیالوژیک) به آموزش و پرورش، توجه می کردند. بعضی مکاتب و مراکز علمی جدید نیز ایجاد شدند، ولی در تمام آن ها مشی حزب حاکم، تدریس می شد.

در سال ۱۳۵۷ش نوعیت مکاتب، سوادآموزی و موسسات عالی کُل کشور، به گونه ی ذیل بود:

۳۸۴۳

شمار مکاتب:

از آن میان:

۱- همان، صص ۳۵-۳۶.

۲- همان، ص ۴۰.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۲۶

۳۵۳۰ هزار	مکاتب ابتدائیه:
۳۱۳	لیسه ها و مکاتب متوسطه:
۱۰۳۴ هزار	شمار متعلمان:
	از این میان:
۹۴۲ هزار	در مکاتب ابتدائیه:
۹۲ هزار	مکاتب متوسطه و لیسسه:
۵۲,۳ هزار	شمار فارغان:
	از این میان:
۳۹,۸ هزار	مکاتب ابتدائیه:
۱۲,۵ هزار	مکاتب متوسطه و لیسسه:
۳۵,۰ هزار	شمار معلمان:
۵,۸ هزار	در این میان شمار معلمان:
۱۵,۷ هزار	کورس های سوادآموزی:
۷,۵۶۲ هزار	شاملان کورس ها:
۱۷,۸ هزار	شمار فارغان:
۱۳,۸ هزار	شمار معلمان و ناظران:
	نوعیت آموزش های عالی:
۳	شمار موسسات آموزش های عالی:
۱۸	شمار پوهنځی ها:
۱۱,۳ هزار	شمار کُل محصلان:
۴,۷ هزار	شمار شاملان:

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۲۷

شمار فارغان:	۱۵۵۳ هزار
شمار کُل استادان:	۹۹۲ هزار
از این میان خارجیان:	۱۷۵
شمار مکاتب متوسطه ی حرفه بی:	۴۴
شمار محصلان:	۱۲۰,۷ هزار
شمار شاملان:	۵,۴ هزار
شمار فارغان:	۱۵۹۵
شمار معلمان:	۹۹۸
از این میان استادان خارجی:	۲۰
شمار تخنیکم ها:	۲
شمار محصلان:	۱۷۰,۶
شمار محصلان سال اول:	۴۵۳
شمار فارغان:	۲۰۴
شمار استادان:	۱۹۰
از این میان خارجیان:	۸۵
شمار موسسات آموزش معلمان:	۱۴
شمار تمام محصلان:	۶,۴ هزار
شاملان سال اول:	۲,۷ هزار
شمار فارغان:	۲۴۶۱

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۲۸

۱۳۷۰

شمار استادان:

در این فاصله، همانند سایر بخش های جامعه، در مراکز علمی و فرهنگی، اختناق شدید فکری و زورسالاری وجود داشت. کسانی که صاحب فکر و نظر، به ویژه اسلامی بودند، بیش از هر کسی احساس خطر می کردند.

در این دوره، تلاش صورت گرفت در نصاب موسسات آموزشی، تغییر رونما شود. مضمونی به نام «سیاست» جزو نصاب درسی شد و تقریباً پس از هر دو روز، برای یک ساعت، پس از صنف ششم، تدریس می شد. بخش قابل ملاحظه ی نصاب درسی متعلمان و محصلان را همین مضمون و در کنار آن، مارش ها و میتنگ های سیاسی، اشغال کرده بودند.

اما تعدی سازمان های بدوی حزبی با قدرت مطلقه در امور دروس و سایر بخش ها باعث شد میان حزب حاکم و نخبه گان حرفه بی فاصله، تضاد و دشمنی ایجاد شود. زمامداران در مقابل بارو های خویش هیچ کس و هیچ چیزی را تحمل نمی کردند؛ زیرا قدرت کامل داشتند. به اثر قتل ها، تویخ ها، توهین ها، بحران فکری و فشار، شمار زیاد هموطنان، مجبور به ترک زادگاه خویش شدند. فقط در جریان سال ۱۳۵۷ش - به نقل از رادیوی پاکستان - پنجاه هزار افغان به این کشور،

۱- گزیده ی شاخص های احصائیه یی، ریاست نشرات وزارت احصائیه، کابل، سال ۱۳۷۰ش، صص ۵۵-۵۸.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه یی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۲۹

هجرت کرده بودند. شمار این افراد تا ثور ۱۳۵۸ش تخمیناً به ۱۴۰ هزار تن رسیده است. در این میان روحانیون، خانواده های آنان و بعضی از نخبه گان حرفه یی و افراد آموزش دیده نیز شامل بودند؛ اما گمان می رود اکثر افراد آگاه و دانشمند در این جریان، هجرت کرده باشند؛ زیرا به تناسب دیگران، بیشترین تهدید و آسیب متوجه آنان بود.

در آن زمان اگر حد اوسط را نیز برای قشر آموزش دیده ی افغانستان در نظر بگیریم، یعنی ۵ الی ۷ درصد، از ۱۴۰ هزار مهاجر، ده هزار آموزش یافته، وارد پاکستان شده اند. از میان هر ده تن، اگر یک تن صاحب آموزش های عالی شمرده شود، در این روند، یک هزار تن از صاحبان آموزش های عالی، مجبور به ترک کشور شده اند.

به اثر شورش ها در اردو، نارضایتی در دستگاه دولتی و زورسالاری حاکمان، اکثر افراد تحصیل کرده زندانی، کشته و یا هم ناپدید شده اند. اگر احصائیه ی استادان و کدر های علمی و نابود شده به عنوان حد و معیار متوسط هم در نظر گرفته شود، تقریباً هر مرکز علمی، ده درصد کارمندان حرفه یی خویش را از دست داده است. افزون بر این، برکناری نخبه گان حرفه یی از ساختار دولت / از پُست های شان و یا هم سلب صلاحیت آنان که به جای شان افراد جدید (غیر ماهر) را مقرر می کردند، عمل نادرست دیگری بود که به روند فرار نخبه گان حرفه یی از کشور انجامید و بعضی را از مسلک، دور کرد.

وقتی در مرحله ی اول (آغاز حاکمیت کمونیستی) مبارزه ی مسلحانه به رهبری گروه های مختلف مذهبی آغاز شد، آنان نیز از کشتن و

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه یی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۳۰

تحقیق، به ویژه نخبه گان حرفه یی، همچنان تخریب و ویرانی مکاتب دریغ نکردند. تعداد زیاد معلمان به قتل رسیده اند. کسانی که جان به در بُرده بودند، از روستاها به شهرها و یا هم به خارج از کشور فرار کردند.

در فاصله ی سال های ۱۳۵۷ش-۱۳۵۸ش، قتل های عام، زندانی ساختن و «تصفیه های فکری» در کُل، آغاز نابودی جمعی نخبه گان حرفه یی و فرار آنان است.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۳۱

مرحله ی دوم

(دلو ۱۳۵۸ش - ثور ۱۳۶۵ش)

تراژیدی ۶ جدی ۱۳۵۸ش در افغانستان به نام زمامداران جدید، به «مرحله ی تکامل و پایان» رسید. اتحاد شوروی پیشین بر افغانستان یورش بُرد و آستان بوسان خویش را در کابل حاکم کرد. توام با آن خیزش ملی، اسلامی و سراسری در برابر بیگانه و طرفداران داخلی آنان آغاز یافت و همچنان روند مهاجرت های دسته جمعی با سرعت زیاد شروع شد.

روس ها نیروی های خود را در شهر های بزرگ، متمرکز کردند، زیرا نتوانستند بر روستا ها دست بالا داشته باشند. در مناطق روستایی، جنگ های شدیدی آغاز یافته بودند.

در جریان جنگ، خانه های بی شماری ویران شدند. به صد ها هزار افغان مجبور به مهاجرت و جنگ می شوند. مکاتب، آموزشگاه ها و مراکز آموزشی ای که بیرون از شهر های بزرگ بودند، یا در جریان جنگ نابود شدند و یا هم از سوی مخالفان حاکمیت جدید، به بهانه ی ملکیت های دولتی ویران، تاراج و سوزانده می شدند. حاکمان جدید با ویرانی خانه ها و بمباردمان، و مخالفان با تخریب مکاتب، تمام توان خویش را به کار انداخته بودند.

بر اساس یک احصائیه، تنها تا سال ۱۹۸۶م، به ترتیب ۲,۷۰۰,۰۰۰ و ۲,۰۰۰,۰۰۰ افغان به کشورهای پاکستان، ایران و سایر کشور ها مهاجر شده اند. آنان تقریباً پنج میلیون تن می شوند. اگر در میان آنان،

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۳۲

طیف کوچکی از افغانان آموزش دیده ی آن زمان را در نظر بیاوریم، تقریباً در میان پنج میلیون مهاجر، ۲۵۰۰۰۰ هزار تن آموزش دیده شامل بوده اند. از این رقم، شمار تخمینی صآحبان آموزش های عالی نیز آشکار می شود.

در آن هنگام واکنش های شدیداً پیدا و پنهان ضد خارجی و دوستان آنان نه تنها در مناطق و روستاها، بل در مراکز بزرگ فرهنگی و آکادمیک شهری نیز وجود داشتند.

روشنفکران و آموزش دیده گان وطن پرست، نمی توانستند حاکمیت بیگانه را تحمل کنند. بنا بر این بر ضد آنان با گروه های جهادی به تامین ارتباط می پرداختند و یا هم شور ملی، آنان را به مبارزه ی فردی یا همه گانی ترغیب می کرد. روس ها و حاکمان با موشکافی بسیار، این مبارزات را تحت نظر گرفته و با اعمال فشار، از میان برمی داشتند. در این مرحله، تعداد بی شمار افراد آموزش دیده، به دخمه های تاریک زندان افکنده شدند. همچنان بعضی از وظایف حرفه بی خویش برکنار و مجبور به هجرت می شوند.

در این دوران، مورد ناگوار دیگری که صورت بست، این بود که قشر آموزش دیده ی کشور به دو راه متفاوت رهسپار شدند. تعدادی در چوکات دولت باقی ماندند. آنان از لحاظ فکری و روانی با دولت همسویی می کردند، اما تعدادی این مشی را نکوهش و بر ضد آن مبارزه کرده اند.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۳۳

در آن زمان، بیشترین انرژی قشر آموزش دیده ی افغانستان- به گونه ی شفاهی و نوشتاری- جهت تبلیغ و ترویج مشی مخالفان، مصرف می شد. در واقع فضای سیاسی، سایه اش را بالای عرصه ی علمی، پهن کرده بود.

با وجود آن که جنگ در کشور جریان داشت، ولی باز هم حاکمان کوشش می کردند زنده گی در شهرها به شکل عادی ادامه یابد. بنا بر این، اکثر مکاتب، پوهنتون ها، مراکز علمی و آموزشی را فعال نگه داشته و برای گسترش آن ها تلاش می کردند.

دستگاه دولت در شهرها کمابیش سالم باقی مانده بود. در سال ۱۳۶۰ش در بخش ملکی دولت، شمار ماموران به ۸۰۸۹۰ و شمار اجیران به ۹۱۰۱۲ می رسید. ۱. تعداد تمام کارمندان ملکی به ۱۷۱۹۹۲ تن رسیده بود.

در سال ۱۳۶۱ش رقم متعلمان تنها در مکاتب ابتدائیه ی شهر کابل به ۱۷۷۷۷۳ می رسید. آنان از سوی ۵۷۲۰ معلم، آموزش داده می شدند. رقم متعلمان مکاتب متوسطه ۸۸۶۰۶ تن بود. امور تدریس آنان از سوی ۳۱۱۶ معلم به پیش برده می شد. ۲. تنها در همین سال در مکاتب مناطق سردسیر، ۳۵۸۹۲ متعلم در صنف اول، جذب شده بودند. ۳.

۱- حقایق تاریخی و ارقام احصائیه بی در باره ی کابل، اداره ی مرکزی احصائیه، سال ۱۳۶۲ش، ص ۹۳.

۲- همان، صص ۶۲-۶۳.

۳- سالنامه ی افغانستان، سال ۱۳۶۱ش، ص ۶۱۲.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۳۴

در سال ۱۳۵۹ش، رقم محصلان پوهنتون کابل ۸۸۴۲ بود. ۳۴۵۲ به تازه گی شامل شده بودند. رقم فارغان به ۱۹۸ تن می رسد. تمام محصلان پولیتخنیک کابل، ۱۶۳۹ تن بودند. همچنان ۱۳۶۲ تازه شمول و ۲۳۶ تن فارغ داشت.

انستیتوت آموزش های عالی طب به شمول انستیتوت طب کابل، ۱۹۰۵ تن محصل، ۵۱۳ تازه شمول و ۵۲ فارغ داشت.

در سال ۱۳۶۰ش، رقم تمام محصلان پوهنتون کابل ۷۲۹۷، تازه وارد ۲۰۵۵ و از فارغان ۱۲۳۶ تن بود. در همین سال انستیتوت پولیتخنیک کابل ۱۷۷۶ محصل، ۴۰۱ تازه وارد و ۲۳۴ تن فارغ داشت. انستیتوت آموزش های عالی طب و طب کابل ۲۰۶۲ تن محصل داشتند. از این میان ۱۳۶۵ تن آنان تازه شمول بودند. این نهاد در این سال ۸۱ تن فارغ نیز داشت. ۱.

بر اساس یک رقم دیگر در سال ۱۳۶۱ش شمار تمام محصلان سه موسسه ی آموزش های عالی پوهنتون کابل، انستیتوت پولیتخنیک کابل و پوهنتون ننگرهار، ۱۰۹۳۶ تن بود. از آن میان ۴۱۴۵ تن، محصلان تازه وارد بودند. همین طور در موسسات اداری، حسابداری و زراعت وزارت تحصیلات عالی، ۷۵۲ تن تازه وارد بودند. رقم محصلان تخنیکم به ۱۰۳۲ تن می رسید. از این میان ۴۶۸ تن، محصلان

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۳۵

تازه شناخته می شدند. همچنان تعداد تازه وارد در مکتب شماره اول تخنیک حرفه بی، به ۷۷ تن می رسید.

در سال های ۱۳۵۸ش - ۱۳۶۵ش، با وجود جنگ های شدید، جریان آموزش و پرورش شهر ها، به ویژه کلان شهر ها، متوقف نشده بود. البته سایه ی مشی حکومت در تمام مراکز فرهنگی، علمی و آموزشی گسترده بود. در هر صنف موسسات آموزش های عالی، تدریس مضمونی به نام «جامعه شناسی»، اجباری شد. سازمان های حزبی در امور اداری و علمی مراکز، قدرت کامل داشتند. نشست های حزبی، مارش ها و میتنگ ها، اوقات زیاد مراکز آموزش و پرورش را می گرفتند و امور فرهنگی را اخلال می کردند.

افراد وابسته به حزب حاکم، هر چند دانش علمی کامل نداشتند، ولی در امور اداری مراکز علمی گماشته می شدند. در مسئله ی بورس های تحصیلات عالی خارجی، روابط و قرابت با حاکمان را به گونه ی کامل در نظر گرفته بودند.

بر اساس بیان یک مقام بلندرتبه ی وزارت معارف در بین سال های ۱۳۵۷ش - ۱۳۶۵ش بیش از چهل و پنج هزار افغان به کشور های دوست حکومت، به ویژه به اتحاد شوروی رفته اند. تعداد زیاد آنان پس از آموزش - در جریان چند سال - دوباره به وطن برگشته اند و شماری حتی در پُست های مهم دولتی گماشته شده اند؛ ولی تعدادی هم برنگشتند.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه یی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۳۶

در آن سال ها کاهشی در میزان مهاجرت کدر های حرفه یی کشور رونما نشد؛ هرچند انگیزه هایی که باعث فرار نخبه گان حرفه یی می شدند، برجا بودند.

فشار مستقیم متجاوزان بیگانه، بهای ناچیز حرفه یی بودن، قتل، ترور و زندان، انگیزه هایی بودند که باعث هجرت کدر های حرفه یی از کشور می شدند. در این فاصله، عوامل بزرگ فرار سیاسی، عقیده یی و فکری بودند. دشواری های اقتصادی تاثیر بسیاری نداشتند.

دولت طی هر سال، افزون بر افغانان تحصیل یافته در خارج، حد اوسط دو صد نخبه را به جامعه تقدیم می کرد، ولی شمار دقیق افغانان مهاجری که آموزش های عالی داشتند، آشکار نیست. در این میان تنها یک صد تن از استادان پوهنتون کابل، وظایف شان را ترک کرده اند.

در کنار اختناق دولتی، جبر و استعمار بیگانه، مخالفان دولت نیز از کشتن کدر های حرفه یی کشور، به ویژه معلمان، احتراز نکردند.

«در سال های ۱۳۵۷ش - ۱۳۶۶ش تنها در بخش معارف، بیش از دو هزار معلم کشته شده اند.»^۱ بیشتر آنان از سوی افراد مخالف دولت، به قتل رسیده اند. نمونه ی آن در آن زمان، کشتار دسته جمعی ۹ تن از معلمان ولسوالی الینگار ولایت لغمان بود که از سوی یک گروه جهادی، صورت گرفت. این معلمان به گونه ی بسیار دردناک در غار یک

۱- پوهنمل دکتور نجیب الله فایز، مجله ی علوم اجتماعی، پوهنتون کابل، سال ۱۳۶۸ش، صص ۱۹۱-۱۹۸.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۳۷

کوه کشته شده بودند. نزدیکان آنان پس از سه ماه، مُرده های آنان را می یابند.

«در این فاصله، ۱۸۵۰ مکتب تخریب و دو صد هزار میز و چوکی آن ها سوزانده شدند. همچنان در ارقام تازه واردان مکاتب، چهل درصد کاهش به عمل آمد. به همین منوال، ۱۱۴ مرکز صحتی و ۲۸ شفاخانه، ویران شده اند.»^۱

۱- پوهنمل دکتور نجیب الله فایز، مجله ی علوم اجتماعی، پوهنتون کابل، سال ۱۳۶۸ش، صص ۱۹۱-۱۹۸.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۳۸

مرحله ی سوم (ثور ۱۳۶۵ش - ثور ۱۳۷۱ش)

در سال ۱۳۶۵ش فشار جهانی و جنگ شدید و مسلحانه ی داخلی، متجاوزان بیگانه را مجبور ساختند در رهبری رژیم کابل تغییر آورده، آهسته آهسته پای خویش را از افغانستان، کوتاه کنند.

در چهاردهم ثور سال ۱۳۶۵ش، تغییر رونما شد. با تغییر جدید، فشار و اختناق هشت ساله بر ادارات دولتی و مراکز علمی، آهسته آهسته کاهش یافتند. از دیگر عوامل اساسی کاهش این فشار این بود که متجاوزان بیگانه و حاکمان داخلی، آگاه شده بودند حذف افکار، باور ها و عقاید مردم تنها با نوک برچه، امکان ندارد. بنا بر این، توجه زیاد حکومت بالای خطرات فزیزی مخالفان و جنگ متمرکز بود. دیگر زمامداران با چشم بسیار بد به تبلیغات شفاهی و نوشتاری ضد دولتی، نمی نگریستند.

اما در سال های اخیر، نیروی فزیزی دولت، روز تا روز کاهش می یافت. جنگ از روستاها و کوه ها تا حصار شهر های بزرگ و فشار مستقیم بر آن ها رسیده بود، حتی بعضی از شهر های بزرگ در دست مخالفان قرار گرفتند. در چنین اوضاعی، حاکمان مجبور بودند به گونه ای از مردمسالاری و آزادی تن دهند؛ چنانی که واقعی به نظر آیند.

در اواخر حکومت کمونیستی، آزادی بیان و قلم افزایش یافت. فشاری که در گذشته به خاطر قتل، جرح، گرفتاری و زندان وجود داشت،

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۳۹

آهسته آهسته کاهش می یافت، ولی روند خروج نخبه گان حرفه بی، متوقف نشد.

در شهر های بزرگ همانند ننگرهار و کندهار... ادامه ی جنگ های شدید و استفاده ی هر دو جانب از سلاح های سنگین، کشنده و پیشرفته، شمار زیاد افغانان را مجبور به هجرت می کردند.

در نخستین سال های این مرحله، به اثر اختناق سیاسی و عقیده بی، بعضی از کدر های حرفه بی کشته، به زندان افکنده شده و یا هم فراری شدند، اما در اواخر آن، کاهش به عمل آمد. با وجود این، هجرت کدر های حرفه بی متوقف نشد.

در سه سال اخیر این مرحله (سوم)، اکثر مردم به این باور بودند که رژیم، قابل استحکام نیست. به این دلیل، به ویژه افراد آموزش دیده تلاش کردند به نحوی از انحاء، راه بیرون رفت از کشور را دریابند. تعداد زیادی مهاجر شدند.

افرادی که در کشور های غربی آموزش دیده بودند، به لحاظ روانی، ذهنی و حرفه بی می دانستند اگر به آن جا ها بروند، آسایش زنده گی شان تضمین می شود.

عامل دیگر فرار نخبه گان حرفه بی این بود که در آن هنگام اقتصاد دولت، روز تا روز ضعیف می شد. حکومت، هزینه های زیادی را در جنگ مصرف می کرد. بنا بر این، دستمزد نخبه گان حرفه بی نمی توانست همانند گذشته، نیاز های زنده گی را تامین کند.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه یی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۴۰

در حزب حاکم و حکومت، تعداد زیاد نخبه گان حرفه یی و افرادی وجود داشتند که خانواده های شان را به خارج فرستاده بودند و خود هم در حال خروج بودند. اینان با استفاده از امکانات رسمی، خود را به کشور های خارجی می رساندند.

کسانی که از سوی دولت به کشورهای خارجی، به ویژه به اتحاد شوروی رفته بودند و دوران آموزش آنان پایان یافته بود، اکثراً از بازگشت به کشور امتنا ورزیدند. آنان دنبال این بودند تا از آن جا به سایر کشور ها بروند. به این گونه، جریان فرار افغانان عام و آموزش دیده، نه فقط کاهش نیافت، بل بیشتر شد.

بر اساس ارقام رسمی اداره ی مهاجرت سازمان ملل در سال ۱۳۶۶ش / ۱۹۸۶م، کل مهاجران افغانستان به ... ۴،۷۰۶ تن می رسیدند. این رقم در سال ۱۳۷۰ش / ۱۹۹۱م به ... ۶،۱۹۷ تن رسیده بود. ۱

در این مدت، تنها از پوهنتون کابل در حدود صد تن از استادان مهاجر شده اند. همین طور اکثر مراکز علمی و فرهنگی ضایعه داشته اند؛ هرچند جای بعضی از کدر های حرفه یی قبلی را کدر های جدید پُر کردند، ولی نه به کیفیت گذشته.

همچنان به هزاران کدر حرفه یی اردو، به نام کودتا و دوره های پیوسته به آن، از وظیفه برکنار شدند. با وجود تمام بد شانسی ها، فرار، جنگ،

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۴۱

کشتار، ضیاع و ویرانی، توان کشور ما در بخش نظامی، اگر بیش از همسایه گان نبوده باشد، هرگز کمتر از آن ها نبوده است. اکثر داشته های عمرانی و دست آورد های حکومتات شش دهه ی گذشته در شهر های بزرگ، گرد آمده بودند. ارقام و ساختار این حکومتات نشان می دهند که افغانستان به لحاظ باور ها دارای تنوع بود. در سال ۱۳۶۸ش افزون بر تشکیلات نظامی، تعداد کل کارمندان دولت به ۱۷۸,۹ هزار تن می رسید. این رقم در سال ۱۳۶۹ش ۱۸۸,۹ هزار و در سال ۱۳۷۰ش به ۱۹۶,۱ هزار تن رسیده بود. در سال ۱۳۶۹ش آن محصولات ناخالص ملی که مورد بهره برداری قرار گرفته اند، ۱۵۶,۸ میلیارد افغانی و در سال ۱۳۷۰ش ۱۴۴,۳ میلیارد افغانی، ارزیابی شده بودند. در آن دو سال، محصولات تولید ناخالص ملی به ترتیب ۱۱۴,۶ و ۱۱۴,۱ میلیارد افغانی، نشان داده شده اند. در سال ۱۳۶۹ش آن عایدات ملی که مورد بهره برداری قرار گرفته اند، ۱۱۶,۲ میلیارد افغانی و در سال ۱۳۷۰ش ۱۰۴,۱ میلیارد افغانی، نشان داده شده اند. عایدات به دست آمده ی داخلی در همین دو سال، به ترتیب ۷۴,۵ و ۷۳,۹ میلیارد افغانی، نشان داده شده اند. به لحاظ کمک های بلاعوض، میزان واردات در سال ۱۳۶۷ش ۲۰۹,۴ میلیون، در سال ۱۳۶۹ش ۲۰۴,۴ میلیون و در سال ۱۳۷۰ش ۸۵,۵ میلیون دالر، نشان داده شده است. سرمایه گذاری در پروژه های انکشافی در سال ۱۳۶۹ش ۵۳۰ میلیارد افغانی، نشان داده شده که در سال ۱۳۷۰ش ۴۷۲ ارزیابی می شود.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۴۲

سرمایه گذاری های موسسات فعال و تولیدی دولت و سکتور مختلط در سال ۱۳۶۹ش ۶۹۴ نشان داده شده و در سال ش ۱۳۷۰ش ۷۱۷ ارزیابی شده است. ارزش تولیدات همین سکتور در سال ۱۳۶۹ش ۱۳۵۶۴,۵ میلیون افغانی، نشان داده شد که در سال ۱۳۷۰ش ۲۱۴۹,۳۱ میلیون افغانی، ارزیابی می شود.

ارزش دورانی فروش اجناس در سال ۱۳۶۹ش ۵۸۴۳۳ میلیون افغانی و در سال ۱۳۷۰ش ۴۵۲۶۲ میلیون افغانی، نشان داده شده است.

حجم تجارت در سال ۱۳۶۸ش ۹۱۷ میلیون و در سال ۱۳۶۹ش ۵۸۹ میلیون دالر، نشان داده شده است.

ارزش اجناس وارد شده از خارج در سال ۱۳۶۹ش ۹۲۶,۵ و در سال ۱۳۷۰ش ۷۴۲,۵ میلیون دالر، نشان داده شده است. ارزش صادرات کشور در سال ۱۳۶۹ش ۲۱۱ میلیون دالر و در سال ۱۳۷۰ش ۲۹۰,۵ میلیون دالر، شمرده شده است. ارزش واردات نقد در سال ۱۳۶۹ش ۷,۶۴۸ میلیون دالر و در سال ۱۳۷۰ش ۶۵۲,۶ میلیون دالر، شمرده شده است.

در سال های ۶۸-۶۹ و ۱۳۷۰ش بهای رسمی و دولتی افغانی در برابر یک دالر امریکایی، ۵۰,۶ افغانی بود، ولی در بازار آزاد کابل به ترتیب: یک دالر امریکایی به ۵۴۶,۲۳، ۸۵۵,۸۳ و ۱۵۱۹,۷۲ افغانی مبادله می شد. ۱.

۱- گزیده ی شاخص های احصائیه بی، وزارت احصائیه، کابل، سال ۱۳۷۰ش، صفحات مختلف.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۴۳

در سال ۱۳۶۹ش دولت دارای ۱۴۴۳۶۱ تن کارمند ذکور و ۴۴۴۹۱ تن کارمند اناث بود. ۱.

تعداد زیاد کسانی که در میان شان اکثراً کارمندان دولت شامل بودند، در اتحادیه ای به نام «امکا»، گرد آمده بودند. این تعداد کلاً به ۳۰۰۰۰۰ هزار تن می رسیدند. از این میان ۹۲۷ تن دکتورا، ۱۵۹۲ تن ماستری و ۱۲۷۹۵ تن لیسانس داشتند. ۳۳۸۹۸ تن، صآحبان آموزش ابتدایی و ۳۴۲۷۴ تن دیگر از آموزش خصوصی بهره داشته و ۱۳۵۷۱۲ تن بی سواد بودند. ۲.

در سال ۱۳۶۶ش در بخش فرهنگی و در بخش سوادآموزی، کورس هایی فعال بودند که رقم تازه واردان آن ها به ۴۵۳ تن می رسید. آن ها همه ساله ۱۳۸ تن فارغ داشتند. در همین سال، شمار مکاتب به ۱۳۰۸ باب رسیده بود.

در حالی که در سال ۱۳۵۷ش تمام ۳۸۴۳ مکتب فعال بودند، در سال ۱۳۶۶ش شمار متعلمان مکاتب عمومی به حدود ۷۷۶ هزار تن رسیده بود که به تناسب سال ۱۳۵۷ش ۲۵۸ هزار تن یا به بیست و پنج درصد کاهش را نشان می دهد.

در سال ۱۳۶۶ش ۶۹ موسسه ی تخنیکي - حرفه یی فعال بودند که به تناسب سال ۱۳۵۷ش ۶۲,۲ درصد افزایش را نشان می دهد.

۱- سالنامه ی احصائیه یی، وزارت احصائیه، کابل، سال ۱۳۶۹ش، ص ۱۷.

۲- سالنامه ی احصائیه یی، وزارت احصائیه، کابل، سال ۱۳۶۹ش، ص ۲۴۵.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۴۴

در سال ۱۳۵۷ش تعداد بسترهای شفاخانه ها به ۴,۳ هزار می رسید، ولی در سال ۱۳۶۱ش به ۹,۷ هزار بستر ارتقا یافتند. در سال ۱۳۵۷ش برای هر ده هزار نفر، ۰,۸ داکتر وجود داشتند، ولی در سال ۱۳۶۶ش برای هر ده هزار نفر به ۱,۷ داکتر ارتقا می یابد که ۲,۱ درصد افزایش را نشان می دهد. ۱.

نوعیت آموزش و پرورش در آخرین سال های مرحله ی سوم:

سال ها:	۱۳۶۹	۱۳۷۰
شمار مکاتب:	۱۴۰۱	۱۳۲۷
مکاتب ابتدائیه:	۵۸۳	۵۹۴
لیسه ها:	۸۱۸	۲۴۲
شمار متعلمان:	۹۰۹,۹ هزار	۹۱۱,۰ هزار
از این میان:		
مکاتب ابتدائیه:	۶۲۷,۹ هزار	۶۲۸,۷ هزار
مکاتب متوسطه:	۲۸۲,۵ هزار	۱۸۰,۹ هزار
لیسه ها:		۱۰۱,۴ هزار
شمار فارغان:	۱۳۱,۶ هزار	۱۱۳,۴ هزار
از این میان:		
مکاتب ابتدائیه:	۲۵,۵ هزار	۷۲,۹ هزار
مکاتب متوسطه:	۱۱۸,۸ هزار	۴۰,۵ هزار

۱- پوهنمل دکتور نجیب الله فایز، مجله ی علوم اجتماعی، پوهنتون کابل، سال ۱۳۶۸ش.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه یی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۴۵

–	–	لیسه ها:
۲۳,۱ هزار	۲۳,۵ هزار	شمار معلمان:
۱۲,۳ هزار	۱۲,۴ هزار	از این میان معلمان اناث:
		شمار کورس ها:
۱۶,۰ هزار	۱۵,۶ هزار	سواد آموزی:
۳۳۲,۵ هزار	۳۳۰,۵ هزار	شاملان:
۱۲۳,۰ هزار	۶۹,۴ هزار	فارغان:
۳,۷ هزار	۳,۷ هزار	شمار معلمان و ناظران:
		نوعیت موسسات آموزش های عالی و محصلان آن ها:
		شمار موسسات آموزش های عالی:
۱۳۷۰	۱۳۶۹	
۷	۳	مجموع:
۳۷	۳۷	شمار پوهنخی ها:
۱۸,۳ هزار	۱۶,۵ هزار	شمار کُل محصلان:
۷,۵ هزار	۷,۲ هزار	شمار تازه واردان:
۱۷۸۲	۱۵۴۲	شمار کُل فارغان:
۸۸۶	۱۴۲۷	شمار کُل استادان:
		شمار مکاتب متوسطه ی حرفه یی:
۲۵	۵۲	
۳,۷ هزار	۸,۵ هزار	شمار کُل محصلان:
۱,۲ هزار	۳,۲ هزار	شمار تازه واردان:

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۴۶

۸۱۲	۱۱۷۲	شمار فارغان:
۴۸۹	۹۲۵	شمار معلمان:
		شمار تخنیکم ها:
۹	۹	مجموع:
۳۷۲۴	۶۲۰۵	شمار محصلان:
۱۰۲۵	۱۸۸۵	شمار محصلان سال نخست:
۵۷۲	۱۵۰	شمار فارغان:
۵۱۵	۵۰۶	شمار استادان:
۱۱	۱۱	شمار موسسات آموزش معلم:
۲,۸ هزار	۲,۲ هزار	کُل محصلان:
۱,۳ هزار	۱,۰ هزار	شمار تازه شاملان:
۸۶۴	۶۴۹	شمار فارغان:
۵۱۸	۱۶۹	شمار استادان:
		نوعیت بخش طب سه سال اخیر:
		شمار شفاخانه ها:
۱۳۷۰	۱۳۶۹	۱۳۶۸
		مجموع:
۱۱۱	۱۱۱	۱۰۴
		شمار بستر ها:
۱۰,۴ هزار	۱۰,۳ هزار	۱۰,۵ هزار
		شمار بستر برای هر ده هزار تن:

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۴۷

۶,۳	۶,۴	۶,۳
		شمار داکتران:
۳۵۹۰	۳۵۳۵	۳۲۷۹
		شمار داکتر برای هر ده هزار تن:
۲,۲	۲,۲	۲,۱
		کارمندان طب متوسط:
۷۱۷۲	۶۶۷۳	۶۶۵۳
		مراکز اساسی صحی:
۷۵	۱۰۳	۷۵
		شمار اکسری ها:
۱۱۳	۱۱۳	۱۱۴
		شمار دواخانه ها:
۱۹۷۰	۱۷۳۷	۱۶۲۵
		شمار دواسازان:
۱۹۹۸	۸۵۸	۷۶۲

در کُل در دو سال اخیر این مرحله (سوم) تعداد زیاد نخبه گان حرفه بی از افغانستان خارج شده اند.

کاهش روزافزون توان رژیم، عدم حاکمیت بالای امور، بی باوری بر ماندگاری، تهدیدات جنگ، تنگنای دامن گیر اقتصادی، کاهش ارزش

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۴۸

مادی علم و دانش و عوامل دیگر باعث شدند افراد آموزش دیده همچنان زادگاه خویش را ترک کرده، به کشور های دیگر، پناه ببرند. ۱ تا آن زمان، بیش از شش میلیون افغان در خارج مقیم شده بودند که سی و هفت درصد نفوس کشور را تشکیل می دادند. بر این اساس، رقم مهاجران نخبه نیز تبیین می شود.

گمان دیگر این است که تا سال ۱۳۷۰ش سی و هفت درصد افغانان مهاجر شده اند. بنا بر این، افراد تحصیل کرده بر اساس درصد سنجش، کمتر از این رقم نیستند؛ زیرا اکثر آنان در شهر های بزرگ گردآمده بودند. در آن زمان، شهر های بزرگ به ویژه مراکز مهم آموزش و پرورش در دست حاکمان قرار داشتند و در مقایسه با مناطق روستایی، بسیار مصئون باقی مانده بودند.

اکثر افغانان مهاجر، افراد بی سواد بودند که به اثر عوامل اعتقادی، جنگ، کشتار و خطرات متواتر مهاجر می شدند.

بر اساس ارقام در سالیان اخیر این مرحله «در وزارت معارف حکومت کوتاه مدت مجاهدین در ۱۶۰۸ مکتب و مدرسه، ۴۰۳۲۹ تن، آموزش می دیدند. ۱۰۵۷ مکتب و مدرسه در صوبه ی سرحد، سند و اسلام آباد، ۲۰۲ در بلوچستان، ۸۹ در ایران و ۱۲۲ باب در آن مناطق افغانستان که به دست مجاهدین افتاده بودند، قرار داشتند. افزون بر این، ۱۵

۱- گزیده ی شاخص های احصائیه بی، وزارت احصائیه، کابل، سال ۱۳۷۰ش، صفحات مختلف.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۴۹

مکتب و مدرسه ی دیگر نیز وجود داشتند که در آن ها دختران
آموزش می دیدند.» ۱

۱- شبآهنگ، بازسازی نهاد های فرهنگی افغانستان، انجمن نویسندگان افغانستان آزاد،
سال ۱۳۷۵ش، ص ۳۶.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه یی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۵۰

مرحله ی چهارم

(ثور ۱۳۷۱ش - میزان ۱۳۷۵ش)

سال های ۱۳۷۱ش - ۱۳۷۵ش، سال های دردناک جامعه ای افغانی اند؛ زیرا جامعه ی ما اکثر داشته های مادی و معنوی خویش را از دست می دهد.

در ماه های اخیر سال ۱۳۷۰ش، ائتلاف ها و سازش ها برای دست یابی به قدرت، آغاز یافتند. در پایان آن ها گروهی پیش از دیگران به کابل آورده می شود. جنگی که پس از سال ۱۳۵۷ش در کوه ها آغاز یافته بود، در سال ۱۳۷۱ش به قلب شهر ها می رسد.

داشته های مادی و معنوی روستا ها به اثر جنگ های متواتر، بمباردمان ها و تاراج از میان رفته بودند. فقط در شهر های بزرگ، بخشی از مکاتب، مراکز آموزشی، فرهنگی و تاسیسات اقتصادی، سالم باقی مانده بودند. در آن ها تعداد زیاد کدر های حرفه یی کشور و مردمی که در شهر ها مقیم بودند، کار می کردند.

با وجود تحمیل فشار که جنگ ها باعث آن بود، گروه های تنظیمی مسلح به گونه ی غیر قابل کنترل، داخل شهر ها شدند. بنا بر این، جنگ های سنگین، نه فقط در شهر ها آغاز شدند، بل به گونه ی شعوری و غیر شعوری، عمدی و غیر عمدی، به غارت، چپاول و ویرانی دست یازیده شده است. در این میان، مراکز علمی به اندازه ای دچار زیان شدند که تصورش هم نمی رفت.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۵۱

در شهر های بزرگ، از جمله در شهر کابل که مرکز اکثر جنگ های سنگین بود، اکثر داشته های مراکز آموزشی، علمی و مکاتب، نخست غارت شدند و چیز هایی که هم از آن ها باقی مانده بودند، سوزانده می شوند.

در اکثر ولایات، آموزش و پرورش در جا متوقف می شوند. به آن مکاتب و مراکز آموزشی ولایاتی که خارج از حاکمیت کابل قرار داشتند، پول پرداخته نمی شد؛ زیرا به فکر حاکمان، در دست مخالفان آنان قرار داشتند. مخالفان نیز هرگز حاضر به پذیرش مسوولیت نبودند. آنان خود را در حد یک تنظیم مطرح کرده و همانند زمامداران کابل، نقاب «دولت اسلامی» را به چهره زده بودند. بنا بر این، تمویل مکاتب را کار و مسوولیت دولت می دانستند.

در این مرحله (چهارم)، غارتگری های بزرگ و اساسی با شروع جنگ های سنگین در شهر ها توأم بودند. در ماه ثور سال ۱۳۷۱ش تنظیم ها داخل شهر ها شدند. نظام گذشته ی سیاسی، طرز فکر و حتی ساختار دولتی تغییر یافت. شدت جنگ، اختناق فکری، ترور، کشتن، ناامنی و بی مسوولیتی، در کُل، مردم شهر ها را مجبور کردند خانه ها و وظایف خویش را ترک کرده و راه هجرت در پیش گیرند. در این مرحله، بیشترین زیان، متوجه افراد تحصیل کرده بود.

پس از رویداد هشت ثور سال ۱۳۷۱ش، شمار نخبه گانی که کشور را ترک گفتند در گذشته، هرگز سابقه نداشت.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۵۲

بر اساس احصاییه هایی که از سوی رادیو های غربی انتشار یافته اند، در در تراژیدی چهار ساله، بیش از هشتاد هزار بی گناه در شهر کابل کشته شدند. این، رقمی ست که صلیب سرخ جهانی و سایر موسسات امداد رسانی، منتشر کرده اند. ۱. گفته می شود تنها در شهر کابل، بیش از شصت هزار خانه ویران شدند. هزاران افغان در داخل کشور بی جا شده و یا به خارج، هجرت کرده اند. در این جریان، کمپ های زیاد مهاجران در دشت وسیع ننگرهار ایجاد شدند. همچنان خانواده هایی به ایران و پاکستان، مهاجر می شوند.

بر اساس سروی ماه جولای- نوامبر سال ۱۹۹۵م اداره ی «UNHCR» سازمان ملل، ۴۸٫۳ درصد خانه های شهر کابل ویران شده اند. با وجود این که مهاجران زیادی از کشور های ایران و پاکستان، دوباره به مناطق مختلف افغانستان برگشتند، ولی جریان فرار نخبه گان حرفه بی از شهرها نسبت به هر زمانی سریع بود. در این میان، اردوی منظم افغانستان که با سلاح های پیشرفته مجهز بود و به لحاظ نظامی، یک اردوی نیرومند به شمار می رفت، و به هزاران کارمند تخنیکی، حرفه بی، افسر و کارشناس داشت، اکثر کدر های آن بی سرنوشت و از وظیفه برکنار می شوند.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۵۳

قبل از سال ۱۳۷۱ش اردوی افغانستان، به ویژه تعداد نظامیان وزارت دفاع، بیش از یک صد هزار تن بود. اگر سایر بخش های اردو، مانند امنیت ملی و خازندوی در نظر گرفته شوند، این رقم به چند صد هزار می رسد. در آن زمان، تمام ادارات آموزش و پرورش ویران و حضور تشکیلاتی آن ها پایان یافته بود.

نهاد های رادیو- تلویزیون، آموزش و پرورش، انجمن های شاعران و نویسندگان، هنرمندان و خبرنگاران کلاً از میان رفتند که بعدتر در بخش جداگانه یادآوری خواهند شد.

اکثر مراکز کشور، به ویژه مراکز آموزش های عالی شهر کابل تا دیری مسدود و از فعالیت باز ماندند. در این میان، پوهنتون کابل، هجده ماه مسدود ماند. تمام اوقات هدر رفته ی آن به تناسب شمار محصلان، به بیست و یک میلیون ساعت درسی می رسد. کم از کم ده میلیون از ساعات درسی انستیتوت طب کابل و پولیتخنیک کابل، هدر رفته اند. همین طور، پوهنتون های هوایی و حربی، اکادمی علوم، اکادمی پولیس، پیداگوژی کابل و موسسات مختلف آموزش استادان، تخنیکم ها و امثالهم، متحمل زیان های ناشی از کمبود کدر ها شدند.

فرار کادر ها از تمام موسسات علمی ادامه یافت. تقریباً صد تن از استادان پوهنتون کابل، وظایف خویش را رها کرده و مجبور به هجرت شدند. اکادمی علوم، تقریباً بیست و پنج درصد کدر های خویش را از دست داد. در این میان، ضیاع کدر های هنری، تخنیکی و علمی رادیو- تلویزیون، بیش از همه است.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۵۴

در این مرحله به جای کدر های گذشته، افراد جدیدی گماشته شدند که به هیچ عنوان، نمی توانستند خلای گذشته را پُر کنند. آن افغانانی که رژیم های گذشته جهت آموزش به خارج فرستاده بودند و شمار آنان صدها نه، بل به هزاران می رسید، با وقوف از اوضاع وخیم کشور، تمام رویا ها، آرزو ها و خیالات برگشت را از سر بیرون می کنند. بعضی در جایی که تحصیل کرده بودند باقی می مانند، اما بعضی آموزش ها را ناتمام گذاشته و سعی می کنند به کشورهای مرفه، هجرت کنند.

در این مرحله، یغمای درد آور دیگر این بود که حل مُعضل را به نوک برجسته بسته و جنازه ی منطق و استدلال را ساخته بودند. آموزش و پرورش، نه تنها ارزش معنوی را می بازند، بل حمایت مادی را نیز از دست می دهند. در این جا بود که به مصداق نان از نوک تفنگ، کلاشنیکوف- اهل قلم را شکست می دهد. نخبه گان ناگزیر از ترک مسلک، پی کار های درجه دوم یا سوم می افتند تا نان در آورند.

وقتی یک اهل مسلک، ناگزیر می شود به خاطر تامین زنده گی، از حرفه دست کشیده، به کار های دوم یا سوم پردازد، بیش از همه، میان حرفه و ذهنش، حایل ایجاد می شود. پیوند های کاری او آهسته آهسته گسسته و با حرفه ی خویش بیگانه می شود. یعنی با ترک حرفه، به یک فرد معمولی مبدل خواهد شد. زیان های ترک حرفه، بسیار زیاد می باشند.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه یی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۵۵

کدرهایی که در کشور باقی مانده بودند و توانایی رفتن به خارج را نداشتند، روی عوامل مختلف، از عرصه ی کاری بیرون می ماندند. در نظام ها یا جریان های سیاسی گذشته، کدرهای حرفه یی به لحاظ سهم ذهنی و عملی نیز مهاجر و یا هم از وظیفه برکنار شده اند. افزون بر این، دشواری های اقتصادی و انفلاسیون پول، عواید ثابت و سرمایه ی نقدی کدرهای حرفه یی و مردم را کاهش داده و آنان را با عدم بضاعت مواجه می کنند.

در این مرحله، حاکمان به خاطر بقای خویش، به میزانی به چاپ پول رو آوردند که نه تنها در تاریخ کشور، بل به تناسب زمان، در تاریخ دنیا مثال نداشت.

در این مرحله بر اساس ارقام، حکومتداران طی چهار سال، ۸۰۰۰ میلیارد افغانی چاپ کرده اند. شماره ی سریال آن ها در بانک های دولتی وجود دارد. افزون بر این، رقم پول های بی حساب، به هفده هزار میلیارد افغانی می رسد. ۱

«در این مرحله، بودجه ی سال ۱۳۷۳ش حکومت، ۶۳۵ میلیارد افغانی تعیین شده بود، ولی دولت فقط ۸۰-۹۰ میلیارد افغانی به دست آورده می تواند. آنان بیش از پنجمصد میلیارد کسر بودجه را با چاپ بانک نوت ها مرفوع کردند.» ۲

۱- دکتور محمد اکبر، مجله ی هیله، سال ۱۳۷۶ش، شماره ی ۱، صص ۲۷-۲۸.

۲- گزارش وزارت امور خارجه، کابل، سال ۱۳۷۷ش.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۵۶

در این مرحله، بانکوت ها نه به شمار، بل به تن ها به چاپ می رسیدند. بر اساس یک شمارش فرضی و تخمینی، تمام پول های چاپ شده تا میزان ۱۳۷۵ش بیش از صد هزار میلیارد افغانی می شود. اگر گل این وجوه، روی تمام نفوس افغانستان تقسیم می شد، برای هر افغان به هزاران افغانی می رسید؛ ولی اکثر آن ها به خاطر ادامه ی جنگ و بهره های شخصی به کار رفته اند. برعکس ذخایر نقدی مردم، به ویژه عایدات ثابت ماموران دولت و کدر های حرفه یی نیست می شوند. انفلاسیون تقریباً درصد هزار مرتبه بلند می رود، ولی معاش ماموران دولت و کدر های حرفه یی، فقط ۳۰-۳۵ درصد افزایش می یابند. تنگنای اقتصادی، زنده گی اکثر نخبه گان را تار و تلخ کرده بود. بنا بر این، به ترک حرفه و یا هم به ترک کشور، مجبور می شدند.

اکثر آموزش یافته گان، دیپلماتان، متخصصان و افرادی که در مرحله ی گذشته در کشور های خارجی، در سازمان ملل، در سفارت های افغانستان و نماینده گی های آن کار می کردند، با دور نو، به کشور باز نگشتند. تقریباً اکثر آنان در کشور های دیگر، پناهنده گی سیاسی اخذ می کنند.

افغانستان در سال های ۱۳۶۵ش - ۱۳۷۱ش در شهر های ذیل، دارای سفارتخانه و نماینده گی بود:

۱- لندن

۲- روم

۳- پاریس

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۵۷

- ۴- صوفیه
- ۵- برلین
- ۶- بوداپست
- ۷- وارسا
- ۸- بلگراد
- ۹- بُن
- ۱۰- پراگ
- ۱۱- عدن
- ۱۲- مسکو
- ۱۳- هاوانا
- ۱۴- بیجنگ
- ۱۵- اولان باتور
- ۱۶- ادیسه بابا
- ۱۷- هانوی
- ۱۸- دهلی
- ۱۹- کویت
- ۲۰- طرابلس
- ۲۱- قاهره
- ۲۲- دمشق
- ۲۳- جا کارتا
- ۲۴- داکه

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه یی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۵۸

۲۵- توکیو

۲۶- تهران

۲۷- انقره

۲۸- ویانا

۲۹- اسلام آباد

۳۰- پیونگیانگ

۳۱- هراری

۳۲- بغداد

۳۳- نماینده گی در سازمان ملل در نیویارک

۳۴- نماینده گی در ژنیو

۳۵- جنرال قنسلگری در بمبئی

۳۶- قنسلگری در تاشکند

۳۷- قنسلگری در مشهد

۳۸- قنسلگری در کراچی

۳۹- قنسلگری در پشاور

۴۰- قنسلگری در کویته ۱

بر اساس این نماینده گی ها و سفارتخانه ها می توان گمان بُرد که به چه تعداد افراد آموزش دیده و کدر های حرفه یی در آن ها مصروف

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۵۹

بوده اند، اما اکثراً پس از تغییر رژیم، به اثر تضاد باور ها، افکار و شدت جنگ، به کشور های دیگر پناه بُرده اند. به این گونه، افغانستان از دیپلماتانی بی بهره شد که سال های زیادی روی آنان هزینه کرده بود. اکثر آنان در عرصه ی کار، تجربیاتی هم به دست آورده بودند. در این مرحله، بیست و پنج تن که درجات ماستری و لیسانس داشتند، از وزارت خارجه، برکنار نیز شده اند.

گرایش های منطقه یی، زبانی، فرهنگی، مذهبی، تنظیمی، سیاسی و اغراض کینه توزانه در بیرون کردن کدر های حرفه یی از کشور، تاثیر داشتند. برعکس به جای اهل کار، گماردن افراد نااهل، عامل دیگری بود که روشنفکران و نخبه گان را همچنان به هجرت مجبور می کرد.

در دو سال اخیر (۱۳۷۳ش - ۱۳۷۴ش) این جریان، بعضی مناطق شهر کابل از دست مخالفان به دست حاکمان افتید. در میان آن ها پوهنتون کابل و انستیتوت طب کابل، شامل بودند.

پوهنتون کابل که در مرکز شهر واقع شده، و از سوی مخالفان تخریب و ویران شده بود، بار دیگر، مرکز اهداف سیاسی می شود. حاکمان به خاطر بازسازی پوهنتون که در جریان جنگ، بیش از پنجاه میلیون دالر خساره برداشته بود، اندکی هزینه می کنند.

به استثنای پوهنخی هایی که خسارات سنگین برداشته بودند، اعمار پوهنتون کابل، هفتاد و پنج درصد تکمیل شد. همچنان تلاش شد افرادی وارد کدر علمی پوهنتون شوند. در این مرحله، شمار کُل استادان و محصلان پوهنتون ها چنین است:

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۶۰

«در سال ۱۳۷۱ش پوهنتون کابل در وقت روزانه، ۹۷۷۵ محصل و در وقت شبانه، ۱۱۰۲ محصل داشت. پوهنتون اسلامی ۹۰۸ تن، پوهنتون ننگرهار ۱۵۱۴ تن، پوهنتون بلخ ۱۱۶۸ تن، پوهنتون هرات ۵۲۵ تن و پولیتخنیک کابل، دارای ۲۸۷۹ تن محصل بود.

در سال ۱۳۷۲ش شمار کُل محصلان پوهنتون کابل ۱۱۲۷۷ تن، پوهنتون ننگرهار ۷۴۷، پوهنتون هرات ۸۷۴، پولیتخنیک کابل ۱۲۱۳ و از پوهنتون بلخ، ۱۷۱۸ تن بود. این ارقام در سال ۱۳۷۳ش در پوهنتون کابل ۱۰۱۷۵ تن، در پوهنتون ننگرهار ۹۸۶، در پولیتخنیک کابل ۱۶۵۶ و در پوهنتون بلخ ۸۱۰ تن بود.» رقم کُل استادان به ۷۳۱ تن می رسد. در سال ۱۳۷۴ش کُل محصلان پوهنتون کابل: ۵۵۷۱ تن روزانه و ۱۴۰۲ تن شبانه بودند. در پوهنتون ننگرهار ۱۲۵۲، در پوهنتون هرات ۹۲۵، در پولیتخنیک کابل ۶۹۲۰ و محصلان انستیتوت پیداگوژی کابل ۱۱۱۶ تن می شدند.

حاکمان نسبت به سایر مراکز علمی، بیشتر متوجه پوهنتون کابل بودند. امکان دارد انگیزه های سیاسی در این گرایش، دخیل باشند. توجهی که بالای پوهنتون کابل بود، بالای دیگر مراکز علمی و آموزشی نبود. در کُل، گفته می توانیم که حاکمیت تنظیم ها در تاریخ افغانستان، نه فقط به لحاظ سیاسی، اخلاقی، اقتصادی و امنیتی، دوران کیفی بود،

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه یی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۶۱

بل به لحاظ علمی نیز برای تمام مراکز کدر های حرفه یی، مرگبار به
شمار می رود.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۶۲

مرحله ی پنجم

(میزان ۱۳۷۵ش - سنبله ی ۱۳۷۸ش)

این مرحله، زمانی آغاز یافت که هرج و مرج چهار ساله، تمام شریان های کشور را در بر گرفته بودند. کابل در خون غوطه ور شد. سایر شهر ها نیز روزتاروز دچار سرنوشت شوم می شدند. آن ها مانند پیکره های نیمه جان شده بودند. اهالی شهرها و روستاها از چپاول، غارت، جنگ، بدکرداری، کشتار و ویرانی به ستوه آمده و خواهان یک نیروی نجات بخش بودند.

در پایان این مرحله، نیرویی به میان آمد که تمام تفنگداران را از یک سر به کنار زد. این نیرو، سلاح را از شهرها و روستاها جمع کرد. همچنان در پنجم میزان ۱۳۷۵ش اداره ی جنجال برانگیز کابل را واژگون و خود بر سریر قدرت می نشیند.

مردم که از جنگ های بسیار، خسته شده بودند، ورود نیروی جدید و پیروزی آنان را خوش آمدید گفتند. به هر اندازه ای که این نیروی جدید، صلح و ثبات را قایم می کرد، به همان اندازه، مردم را به آرامی و اطمینان دور از هراس، باز می گرداند؛ ولی این آرامش با محدودیت هایی توأم شد که آهسته آهسته باعث خسته گی ذهنی مردم می شوند. تعبیر ویژه از مذهب، بررسی افکار سیاسی، محدودیت فکری و فشارها باعث شدند میان حاکمان و زیر دستان، به ویژه کارمندان قبلی دولت، گونه ای از فاصله ایجاد شود.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۶۳

در جریان این مرحله، بار دیگر گروهی از قشر آموزش دیده، مجبور به مهاجرت شدند. آنان نتوانستند محدودیت های بیشتر را تحمل کنند. در این دوران (امارت اسلامی) قشر آموزش دیده و در حال آموزش اناث، به اثر محدودیت وضع شده، وظایف خویش را از دست داده و از آموزش بی بهره می شوند.

گفته می شود که قبل از این وضع، کُل کارکنان زن در ساختار دولت به چهل هزار تن می رسیدند. با وجود این که برای قشر اناث، معاش گذشته ی شان پرداخت می شد و تا هنگام چاپ این کتاب نیز پرداخت شده است، ولی بعداً متوقف می شود، اما آن معاشات نیز به دلیل انفلاسیون سریع، مساوی به هیچ بودند.

زنان آموزش دیده که در روشنایی فرهنگ آزاد شهری، زنده گی خویش را نظم بخشیده بودند، با محدودیت های نو، نتوانستند پیوند فرهنگی و ذهنی برقرار کنند. بنا بر این، اکثراً مجبور به ترک کشور می شوند.

در این مرحله (حکومت طالبان) حاکمان، پی گیری پُست های ماموران و کارمندان دولتی را آغاز کردند. آنان مشی فکری افراد حرفه یی و محل آموزش آنان را بررسی و نشانی می کردند. افزون بر این، کسانی که در رژیم های کمونیستی گذشته - به هر عنوان - تحسین نامه یا مدال دریافت کرده بودند، مورد پی گرد قرار می گرفتند.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۶۴

بعضی از افراد تحصیل کرده که به نحوی از انحا از قبل (نظام های گذشته) در جا های خویش باقی مانده بودند، بار دیگر با تهدید مواجه شدند.

در این میان، اکثر وزارتخانه ها جست و جو شدند. کسانی که با فرمان های وضع شده ی جدید، منافات داشتند، به نام «نامطلوب» از وظیفه برکنار می شدند. این عمل در تمام وزارتخانه ها صورت می گرفت، ولی سطح این تصفیه در لوی خاړنوالی و وزارت عدلیه، بسیار بلند بود. در وزارت امور خارجه، ۳۴ کارمند که لیسانس، ماستری و دکتورا داشتند، از وظایف منفک شدند.

در موسسات وزارت تحصیلات عالی، ۱۱۷ استاد، نامطلوب شمرده شدند. در این میان، ۵۳ تن از پوهنتون کابل بودند؛ اما بعداً بالای استادان نامطلوب، تجدید نظر صورت می گیرد. بنا بر این، ۲۸ تن دوباره «مطلوب»، اما ۲۵ تن همچنان «نامطلوب» و از کار برکنار ماندند. در این مدت (حاکمیت طالبان)، شمار کُل محصلان پوهنتون کابل، تقریباً به سه هزار تن می رسید. فارغان دو سال همین دوره، به حد چهارصد تن کاهش می یابند. بعضی استادان، بدون داشتن دوسیه ی سیاسی و فکری، پیوند خویش با پوهنتون را گسستند.

در حاکمیت طالبان، پوهنتون هایی در ولایات کندهار، ننگرهار، هرات و بلخ فعال بودند.

ارقام محصلان، استادان و کدر های پوهنتون ننگرهار - به استثنای فاکولته های طب و پیداکوژی - در سال ۱۳۷۵ش:

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۶۵

پوهنځی	استادان	محصلان	بخش ها
۱- انجنیری	۱۵	۲۰۰	۳
۲- زراعت	۲۰	۸۷	۳
۳- تعلیم و تربیه	۱۸	۲۷	۳
۴- ادبیات	۱۴	۲۸	۳
۵- اقتصاد	۱۲	۹۴	۲
۶- شرعیات	۱۸	۵۲	۳
۷- وترنری	۳	۷۲	۱

«در این سال، پوهنتون ننگرهار- به استثنای فاکولته های طب و پیداگوژی- ۱۰۵ استاد، ۶۶۲ محصل و ۲۱ بخش داشت. از سال ۱۳۵۷ش بدین سو، جمعاً ۲۳۲۶ انجنیر، متخصص، معلم و عالم دین را به جامعه، تقدیم کرده است.»^۱

در سال ۱۳۷۷ش دو تن از استادان پوهنتون ننگرهار، کشته شدند. به دلیل این رویداد، بعضی از استادان این پوهنتون به پشاور هجرت می کنند. شماری بعداً باز گشتند، اما تعدادی باقی ماندند.

در این مرحله در ساختار دولتی افغانستان، تغییر ظاهری، اما کلی رونما شد. آموزش های حرفه بی، عامل تقرر، به ویژه در پُست های بُلند دولتی شمرده نمی شدند. تمام امور به انحصار یک طبقه ی مشخص (ملایان) قدرت و استخدام آنان وابسته شدند. چنان چه آشکار

۱- پوهاند غنچه گل ساپی، مجله ی ننگرهار، سال ۱۳۷۷ش، شماره ی ۴، ص ۶۲.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۶۶

شد، به حد مدیریت عمومی نیز تمام پُست های بلند برای همین طبقه (ملایان) یا هم برای حامیان نزدیک آنان، اختصاص می یابند. رواج «معاش دو گونه» در یک دولت که در افغانستان سابقه نداشت، شکاف ها و فاصله ها میان کارمندان دولتی، به ویژه کدر های حرفه بی و حاکمان را بیشتر می کند. ۱. محدودیت های ذهنی، سلیقه بی و حاکمیت خشک مذهبی، همچنان باعث فرار کدر های حرفه بی می شدند.

در داخل کشور، با وجود فرار کادر های حرفه بی و کاستی ها، فعالیت اساسی و زیربنایی این مرحله، چنین صورت گرفته است: در آن مناطقی که در دست طالبان می افتادند، امنیت کاملاً تامین می شد. توأم با آن، جلو ویرانی کامل گرفته شده و کار بازسازی و نو سازی، آهسته آهسته آغاز می یافت.

برخلاف سال های ۱۳۷۱ش - ۱۳۷۵ش که تمام کشور، دچار چپاول و تاراج شد و این جریان ادامه یافت و هیچ چیزی باقی نماند، حاکمان مرحله ی پنجم (طالبان)، رسالت بزرگ انسانی و کشوری را به انجام

۱- در حاکمیت طالبان، به طبقه ی ملایان، بدون رعایت عدالت اجتماعی، معاشات گزاف می پرداختند. این عمل در آن شرایط که بایسته بود در فضای امن آن، با سرمایه گذاری روی نخبه گان و حمایت از آنان، احیا و بازسازی رونق گیرد، ادارات دولتی افغانستان را با کمترین کیفیت کاری، به بی نهایت سقوط می کشاند. در ضمن، تنفر مردم از چنین رویکرد (انحصار ارتجاعی و استبدادی طبقه ی ملا) بعداً در گرایش های ترک دین اسلام، بسیار موثر واقع شدند. بر اساس ارقام و گزارش های بین المللی، هزاران افغان پس از حکومت اسلامی (ربانی و طالبان) دین اسلام را ترک کرده اند. م.ع

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۶۷

رساندند. آنان در کنار رفع خطر تجزیه یا کمرنگ ساختن آن، در ساحاتی که فتح کرده بودند، جلو ویرانی های بیشتر را نیز گرفتند. به این دلیل، تعداد زیاد مهاجران افغان از کشور های ایران و پاکستان برگشتند؛ اما در میان آنان افغانان آموزش دیده، بسیار اندک بودند. اکثر افغانان آموزش دیده، رو به سوی خارج کرده و در تمام جریان تراژیدی، در کشور های دیگر، مقیم شدند. اکنون کمتر کشوری یافت می شود که افغانی به خاطر گذران بقیه ی عمر، در آن جا آشکار نشده باشد.

در کُل، کشور هایی که افغانان اکثراً به آن جا ها پناه برده اند، عبارت اند از: پاکستان، ایران، هلند، فرانسه، دنمارک، استرالیا، ناروی، سویدن، سویس، ایتالیا، بلژیک، هندوستان، کانادا، امریکا، ترکیه، چک، سلواکیا، زیلانند جدید، جمهوری های شوروی پیشین و کشور های عرب نشین.

به قول یک افغان نخبه (عبدالمالک بی کس یار) که در دنمارک زنده گی می کند، تقریباً دو هزار افغان به دنمارک پناه آورده اند. بر اساس تخمین، در میان این دو هزار تن، بیش از پنجصد انجنیر، داکتر و صاحبان آموزش های بُلند، قرار دارند.

اما تاکنون هم ارقام دقیق مهاجران افغان در خارج از افغانستان، آشکار نشده اند؛ زیرا مردم ما همچنان در حال هجرت اند و یا هم از یک کشور به کشور دیگر، جا به جا می شوند. با این وجود، اداره ی «UNHCR» سازمان ملل، ارقام مهاجران افغان در پاکستان، ایران، هند،

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۶۸

روسیه و کشور های آسیای میانه، بین سال های ۱۹۸۰م- ۱۹۹۹م را
منتشر کرده است:

مجموع	اوزبکستان	ترکمنستان	تاجکستان	گرجستان	قزاقستان	روسیه	هند	ایران	پاکستان	سال
۷,۰۰۰,۰۰۰	-	-	-	-	-	-	-	۲,۰۰۰,۰۰۰	۴,۰۰۰,۰۰۰	۱۹۸۰
۱,۹۰۰,۰۰۰	-	-	-	-	-	-	-	۵,۰۰۰,۰۰۰	۱,۴۰۰,۰۰۰	۱۹۸۱
۳,۱۷۸,۰۰۰	-	-	-	-	-	-	۳,۰۰۰	۸۰۰,۰۰۰	۳۷۵,۰۰۰	۱۹۸۲
۳,۹۰۴,۰۰۰	-	-	-	-	-	-	۴,۰۰۰	۱,۲۰۰,۰۰۰	۲,۷۰۰,۰۰۰	۱۹۸۳
۴,۳۰۵,۰۰۰	-	-	-	-	-	-	۵,۰۰۰	۱,۵۰۰,۰۰۰	۲,۸۰۰,۰۰۰	۱۹۸۴
۴,۷۰۶,۰۰۰	-	-	-	-	-	-	۷,۰۰۰	۱,۸۰۰,۰۰۰	۲,۹۰۰,۰۰۰	۱۹۸۵
۴,۷۰۶,۰۰۰	-	-	-	-	-	-	۷,۰۰۰	۲,۰۰۰,۰۰۰	۲,۷۰۰,۰۰۰	۱۹۸۶
۵,۱۰۵,۰۰۰	-	-	-	-	-	-	۷,۰۰۰	۲,۳۰۰,۰۰۰	۲,۸۷۸,۰۰۰	۱۹۸۷
۵,۸۲۱,۰۰۰	-	-	-	-	-	-	۵,۰۰۰	۲,۷۰۰,۰۰۰	۳,۱۵۲,۰۰۰	۱۹۸۸
۶,۷۰۰,۰۰۰	-	-	-	-	-	-	۵,۰۰۰	۲,۹۰۰,۰۰۰	۳,۷۵۵,۰۰۰	۱۹۸۹
۶,۳۲۰,۰۰۰	-	-	-	-	-	-	۸,۰۰۰	۲,۹۴۰,۰۰۰	۳,۳۷۲,۰۰۰	۱۹۹۰
۶,۱۹۷,۰۰۰	-	-	-	-	-	-	۱۲,۰۰۰	۳,۰۰۰,۰۰۰	۳,۱۸۵,۰۰۰	۱۹۹۱
۵,۹۸۷,۰۰۰	-	-	-	-	-	-	۱,۰۰۰	۲,۹۰۰,۰۰۰	۳,۰۷۷,۰۰۰	۱۹۹۲
۴,۳۲۷,۰۰۰	-	-	-	-	-	۱۲,۰۰۰	۱۱,۰۰۰	۲,۷۰۰,۰۰۰	۱,۳۲۷,۰۰۰	۱۹۹۳
۲,۷۱۵,۰۰۰	-	-	-	-	-	۱۲,۰۰۰	۲۴,۰۰۰	۱,۸۵۰,۰۰۰	۱,۴۲۷,۰۰۰	۱۹۹۴
۲,۷۹۵,۰۰۰	۳,۰۰۰	-	-	-	-	۱۹,۰۰۰	۲۲,۰۰۰	۱,۳۳۰,۰۰۰	۱,۵۲۰,۰۰۰	۱۹۹۵
۲,۷۱۵,۰۰۰	۳,۰۰۰	۲,۰۰۰	۱,۰۰۰	۱,۰۰۰	۲,۰۰۰	۲,۰۰۰	۱۹,۰۰۰	۱,۴۲۰,۰۰۰	۱,۲۰۰,۰۰۰	۱۹۹۶
۲,۷۱۵,۰۰۰	۳,۰۰۰	۲,۰۰۰	۱,۰۰۰	۱,۰۰۰	۲,۰۰۰	۲,۰۰۰	۱۹,۰۰۰	۱,۴۰۰,۰۰۰	۱,۲۰۰,۰۰۰	۱۹۹۷
۲,۷۱۵,۰۰۰	۳,۰۰۰	۱,۰۰۰	۲,۰۰۰	۱,۰۰۰	۲,۰۰۰	۱۷,۰۰۰	۲,۰۰۰	۱,۴۰۰,۰۰۰	۱,۲۰۰,۰۰۰	۱۹۹۸
۲,۷۴۹,۰۰۰	۳۷,۰۰۰	۱,۰۰۰	۳۲,۰۰۰	۶,۰۰۰	۴,۰۰۰	۱۷,۰۰۰	۳۴,۰۰۰	۱,۴۰۰,۰۰۰	۱,۲۰۰,۰۰۰	۱۹۹۹

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۶۹

فقط در روسیه، شانزده هزار افغان، پناهنده گی سیاسی خواسته اند. به گمان غالب، یک صد و پنجاه هزار افغان در فدراسیون روسیه، زنده گی می کنند.

در مجموع در مورد این مرحله (حاکمیت ملایان) می توان گفت که افراد آموزش دیده و کدر های حرفه بی، همچنان «نامطلوب» شمرده شدند؛ هرچند به ساختمان مراکز آموزشی، مکاتب، نهاد های فرهنگی و امثالهم زیانی نرسید، بل به خاطر نگه داری آن ها تلاش صورت گرفت، ولی بعضی مکاتب و مراکز علمی و آموزشی را از دور آموزشی آن جدا و تابع نوع دیگر نصاب درسی (دینی) می کنند.

هرج و مرج نصاب درسی، از دشواری های بزرگ معارف کشور است. در سال های گذشته نیز با آن دست و گریبان بود. به این دلیل، ایجاد ثبات در آن، دشوار به نظر می آید.

سال های ۱۳۷۵ش - ۱۳۷۸ش در اکثر نقاط کشور، امن و صلح را به ارمغان آورده بودند، ولی در امور آموزش، کاستی ها و حتی عقب گرد دارند.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۷۰

کم رنگ شدن ارزش ها و سرعت فرار

در جریان دو دهه ی گذشته، زیان های سنگینی بر افغانستان وارد شده اند. به استحکام فرهنگی جامعه و ارزش های آن خسارات زیادی می رسند. اکثر آن ها باعث ناتوانی، کم بهایی و از هم گسیخته گی شده اند.

در مرحله ی اول تراژیدی، هر دو جانب به اثر عقیده، جنگیده اند. جنگ اعتقادی به شدت آغاز می یابد، اما جنگ فزیک، گرم تر می شود.

در نخست، هر دو جانب تحت چتر مکاتب ایدیالوژیک، خود را محق دانسته و با اطمینان روحی، به نبرد ادامه می دادند. در این جریان، بعضی افراد آموزش دیده که به ترک کشور، مجبور شده بودند، اکثراً در ایران و پاکستان، مقیم می شوند. همچنان شمار اندک آنان به سایر کشورها پناه برده اند.

در آغاز هجوم شوروی که افغانان موج موج به پاکستان و ایران مهاجر می شدند، با وجود جنگ و قربانی، در میان شان روحیه ی وطندوستی و باور به آزادی کشور، نه فقط نیرومند بود، بل آتشین می شود. در وجود آنان محبت به کشور و اسلام جا داشت و به آن ها بهای زیادی قایل بودند، حتی با ایثار زنده گی.

سنگر افغانان در برابر بیگانه گان، به لحاظ روحی و عقیده یی، بسیار نیرومند بود. در این جریان، افغانان زیادی به کشورهای دیگر، پراکنده شده اند. از عوامل آن، ایجاد دفاتر جهادی نیز بود. در این دفاتر به

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۷۱

خاطر مبارزه با شوروی، پی کمک می شدند. همچنان برای به دست آوردن پناهنده گی سیاسی و تابعیت، اقدام می کردند؛ اما اکثر افغانان، شرم و ننگ داشتنند هویت قومی و ملی خویش را رها کنند. در آن زمان برای تعداد زیاد افغانان عادی و تحصیل کرده، زمینه مساعد بود با هزینه ی کشور های غربی، به همان کشور ها رفته و در آن ها پذیرفته شوند.

گمان می رفت که پس از خروج شوروی، قدرت باید به گروه ها یا افرادی انتقال یابد که طرفدار غرب باشند. به این اساس، غریبان- آغوش خود را برای افغانان، گشوده بودند. آنان زمینه ی پناهنده گی را میسر کرده بودند. آنان می خواستند از این افغانان در حکومت آینده به عنوان نیروی بالفعل استفاده کنند؛ اما پنداشته نمی شد که اتحاد شوروی به شکلی گسسته و ذلیل می شود که ضمن عدم احیاء، افغانستان نیز ارزش سیاسی- نظامی خود را می بازد.

با وجود آن که شمار قابل ملاحظه ی افغانان، به غرب مهاجر شدند، ولی اکثر آنان به خاطر آزادی کشور، روزشماری می کردند. آنان نمی پنداشتند که شاید در غرب بمانند و شرایط آینده، جلو بازگشت شان را خواهند گرفت. یا هم وضعیتی رونما می شود که هیجان و ارزش آنان را کمرنگ می سازد.

پس از خروج لشکر شوروی از افغانستان، سمت و سوی ایدئالوژیک جنگ، آهسته آهسته تغییر یافت. دیگر قدرت و جوش گذشته را نداشت، ولی جریان هجرت افراد تحصیل کرده، متوقف نشد.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۷۲

پاکستان، محل مناسبی برای افغانانی بود که از آن جا به غرب پناه می جستند. در این مرحله، بعضی از افراد آموزش دیده و روشنفکر که در گذشته در برابر نظام کمونیستی می رزمیدند، از التهاب شان کاسته می شود. آنان پس از یک حیات خوردکننده، در پی زنده گی آرام برآمدند. برای اکثر شان جوامع غربی، مناسب حال بود. در حالی که به دلیل عقیده و فرهنگ جوامع نو، تضاد وجود داشت.

افرادی که در آن زمان، به غرب پناه بُرده بودند، یقین نداشتند نظام دلخواه شان در کشور حاکم می شود. یا ممکن است به دلیل شعار و عدم عمل، ستر ایجاد شده، مانع نگرش و درک درست رویداد ها شده باشد.

در مرحله ی نو که به اصطلاح «نظام اسلامی» ایجاد شد، به دلیل اعمال ناصواب، اما به تمام آن ارزش های ملی و عقیده بی نیز زیان وارد می شود که مردم ما چهارده سال برای دست یافتن به آن ها، مبارزه کرده بودند.

به نام اسلام، اعمالی صورت می گرفتند که ضد اسلامی بودند. کسی تصور آن ها را هم نمی کرد. افرون بر این، از ترس جنگ ها و تسویه ی حساب گذشته، کدر هایی نیز به غرب پناه می جستند که جزو اعضای حزبی حکومت گذشته شناخته می شدند. قبل از این، وجهه ی پذیرش کسانی که به غرب می رفتند، دوسیه ی سیاسی و مسئله ی مخالفت با رژیم کمونیستی بود، ولی مخالفت با بنیادگرایان و هراس از آنان نیز افزوده می شود.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۷۳

در میان طرفداران کمونیسم، کسانی وجود دارند که در وقت خویش، هموطنان ما را به نام امپریالیست، فرزندان و آستان بوسان بیگانه از وظیفه برکنار، زندانی، توهین و کشته اند.

پس از سال ۱۳۷۱ش دوام جنگ ها، چپاول شهرها، ویرانی و کشتار عام باعث شدند تنظیم های جهادی، حیثیت و ارزش گذشته ی خویش را بیازند. در آن هنگام، تمام ارزش هایی که در دهه ی گذشته، هر دو جانب برای نگه داری و تبارز آن ها درگیر شده بودند، از میان رفتند. در این مرحله در غرب، شرایط پذیرش ملحدان جدید نسبت به مجاهدین پیشین، آسان تر شده بود.

دشواری های زنده گی روزتاروز و به قدری افزایش می یافتند که افراد زیادی مجبور به هجرت به غرب شدند. در این بین، کسانی هم به چشم آمده اند که در گذشته، حتی تصور نمی شد.

در این مرحله، هزاران افغان به سایر کشورها مهاجر شدند. بعداً که شرایط دشوارتر می شود و تمام عرصه های خدمات تا مرز نابودی تهدید می شوند، برای افغانان، به ویژه افراد آموزش دیده، هیچ اطمینان خاطری باقی نماند.

هرچند در سال های اخیر، شرایط ورود به کشور های غربی، بسیار دشوار شده اند، ولی باز هم افغانان، دشواری های مختلف را تحمل کرده، با سرمایه ی شخصی و یا هم با کمک مالی دوستان، خود را به غرب رسانده اند. این روند، همچنان ادامه دارد. این که این روند، به چه

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۷۴

میزانی زیانبار بود، مردم- دوباره به کشور بر می گردند یا نه، فرضیه هایی را ارائه خواهیم کرد. عوامل بی شمار، تعداد زیاد افراد آموزش دیده و نخبه گان حرفه بی کشور را مجبور به هجرت کرده اند. حالا اکثر مراکز علمی، هنری، آموزش و پرورش، اکثر کدر های حرفه بی خود را از دست داده اند.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۷۵

رادیو- تلویزیون افغانستان

افزون بر مراکز فرهنگی، آموزشی و هنری، بر رادیو- تلویزیون افغانستان نیز خسارات زیادی وارد شده اند.

از ۱۳۵۷ش تا ۱۳۷۱ش در بخش های مختلف رادیو و تلویزیون، پیشرفت ها و تغییرات زیادی رونما شده بودند. در آن دوره (حاکمیت کمونیستی) این ارگان، خسارات و ویرانی ها را متحمل نشده بود. افزون بر کابل، در ولایات نیز سیستم های رادیویی و تلویزیونی فعال و بعضی در حال مونتاژ بودند؛ اما به اثر مشی و رفتار حاکمان، همچنان رادیو و تلویزیون، کارمندان خویش را از دست می دادند.

پس از هشت ثور سال ۱۳۷۱ش مرضی که در کابل و سراسر کشور منتشر شده بود، رادیو و تلویزیون را نیز خساره مند می سازد. در گُل، تمام بخش های رادیو و تلویزیون در حدود سیصد میلیون دالر، دچار خساره می شوند. به لحاظ کدر، تعداد زیاد گوینده گان، گزارشگران، کارمندان تخنیک، انجنیران و هنرمندان مجبور به هجرت شده اند.

اما در تغییرات ماه میزان ۱۳۷۵ش، تلویزیون به صورت کامل مسدود می شود. بقیه ی کارمندان آن منفک و بعضی مجبور به هجرت می شوند.

رادیو و تلویزیون به لحاظ کدر، زیان های زیادی را متحمل شده است. در فرمان های جدید، هیچ محلی برای فعالیت کارمندان آن باقی نبود. به ویژه برای آوازخوانان و هنرمندان بعضی بخش ها.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۷۶

در آغاز سال ۱۳۷۸ش، بعضی کارمندان رادیو و تلویزیون، درصد ضیاع کدر های آن را چنین نشان داده اند:

از ۱۳۵۷ش الی ۱۳۷۱ش هفتاد درصد گوینده گان و دست اندر کاران هنر موسیقی، هشتاد درصد گزارشگران، نود درصد هنرمندان تیاتر و نود درصد کارمندان تخنیکی رادیو- تلویزیون باقی مانده بودند. بقیه زندانی، به ترک وظیفه و یا هم به هجرت مجبور می شوند. در این میان، متوفی نیز قرار دارد.

از ۱۳۷۱ش الی ۱۳۷۵ش ده درصد گوینده گان، بیست درصد هنرمندان تیاتر، ده درصد دست اندر کاران هنر موسیقی، بیست درصد گزارشگران و ده درصد کارمندان تخنیکی رادیو- تلویزیون باقی مانده بودند. متباقی به ترک وظیفه مجبور شده اند.

از ۱۳۷۵ش الی ۱۳۷۸ش، سه درصد گوینده گان، دو درصد هنرمندان تیاتر، پنج درصد گزارشگران و سه درصد کارمندان تخنیکی رادیو- تلویزیون باقی مانده بودند. بخش های دیگر نیز ضیاع دارند.

در ذیل، نام های بعضی از کارمندان تخنیکی، هنرمندان، گزارشگران و افراد مشهوری را می آوریم که در مراحل گذشته از رادیو- تلویزیون منفک و یا هم آن جا ها را ترک کرده و مهاجر شده اند:

گوینده گان:

۱- سیف الرحمن ابراهیم خیل

۲- غلام نبی پاکتین

۳- سُهیلا حسرت نظمی

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۷۷

- ۴- ثریا خادم
- ۵- تورپیکی خادم
- ۶- رشاد بهیر
- ۷- عبدالله شادان
- ۸- سیما شادان
- ۹- داکتر حیدر نوازی
- ۱۰- فریده انوری
- ۱۱- کریمه طهوری
- ۱۲- ذکیه کهزاد
- ۱۳- زیبا خادم
- ۱۴- عبدالغفور ویاند
- ۱۵- سید افضل اکبر
- ۱۶- داکتر حسن شینواری
- ۱۷- محمد عارف همدم
- ۱۸- عنایت شریف
- ۱۹- عبدالهادی شکور
- ۲۰- وکیل احمد ابوی
- ۲۱- خطاب عمر
- ۲۲- عبداللطیف ستانکزی
- ۲۳- محمد آغا الکوزی
- ۲۴- حسیب خاوری

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۷۸

- ۲۵- لطیفه کبیر سراج
- ۲۶- نفیسه محمود
- ۲۷- شریفه شریف
- ۲۸- مینه بکتاش
- ۲۹- لطیفه قریشی
- ۳۰- فریده پاکتین
- ۳۱- گل جان آنند
- ۳۲- انیسه لطیف
- ۳۳- مستوره شال- در پشاور، وفات یافته است.
- ۳۴- فریده هود
- ۳۵- نصیر سهام
- ۳۶- عبدالقدوس تندر- در جرمنی، وفات یافته است.
- ۳۷- قمر سید
- ۳۸- نجیبه حیدر
- ۳۹- شریفه پاخون
- ۴۰- بصیر امین زاده
- ۴۱- هاشم پکتیانی- در پشاور به قتل رسید.
- ۴۲- قاسم یوسف زاده
- ۴۳- آمنه خیرک
- ۴۴- نجیب جان نصیر
- ۴۵- نجیب یوسف زاده

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۷۹

- ۴۶- حامد نوری
- ۴۷- علی محمد صادق یار
- ۴۸- پروین ملال
- ۴۹- پروین هاشم منصور
- ۵۰- تاج محمد اکبر
- ۵۱- نییله همایون
- ۵۲- نیره
- ۵۳- عبدالوهاب شادان
- ۵۴- اقلیما مخفی
- ۵۵- مقدسه مخفی
- ۵۶- مسعود خلیلی
- ۵۷- مسعود مجروح
- ۵۸- لطیف جلالی
- ۵۹- سلام جلالی
- ۶۰- ظاهر طوطاخیل و دیگران.

آوازخوانان و هنرپیشه گان:

- ۱- ظاهر هویدا
- ۲- رحیم بخش
- ۳- هما هنگ
- ۴- احمد ولی

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۸۰

- ۵- هنگامه
- ۶- رخشانه
- ۷- ژيلا
- ۸- ميرمن پروين
- ۹- ژينوس
- ۱۰- ايوب
- ۱۱- نعمت الله
- ۱۲- قمرگل
- ۱۳- احمد شاکر
- ۱۴- عبدالله مُقْرِی
- ۱۵- منگل
- ۱۶- نغمه
- ۱۷- خُلانَد
- ۱۸- سهيلا خُلانَد
- ۱۹- سارا خُلانَد
- ۲۰- حامد شکران
- ۲۱- فرهاد دریا
- ۲۲- عبدالله شاد کام
- ۲۳- فیض کاریزی
- ۲۴- سيف الدين
- ۲۵- شیر غزنوی

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۸۱

- ۲۶- اسد بدیع
- ۲۷- جاوید رهی
- ۲۸- رحیم مهریار
- ۲۹- پرستو
- ۳۰- مرجان
- ۳۱- رعنا
- ۳۲- مرین
- ۳۳- سیما ترانه
- ۳۴- سلیم بخش
- ۳۵- قاسم بخش
- ۳۶- وکیل رووف
- ۳۷- عبدالحمید کندھاری
- ۳۸- ظاهر چاریکاری
- ۳۹- مختار مجید
- ۴۰- وحید صابری
- ۴۱- وحید قاسمی
- ۴۲- مه وش
- ۴۳- سلما
- ۴۴- رحیم جهانی
- ۴۵- حیدر سلیم
- ۴۶- حسین آرمان

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۸۲

- ۴۷- قاسم لوگری
- ۴۸- سلام لوگری
- ۴۹- گل زمان
- ۵۰- حکیم نور اکاخیل
- ۵۱- سید علم
- ۵۲- سحر گل
- ۵۳- شاه ولی
- ۵۴- افسانه
- ۵۵- الفت هروی
- ۵۶- یونس
- ۵۷- وجیهه رستگار
- ۵۸- امیر جان صبوری
- ۵۹- ظاهر شباب
- ۶۰- گلشن
- ۶۱- عزیزه افغان
- ۶۲- اسماعیل پیروز
- ۶۳- نور جهان
- ۶۴- زمان شوقی
- ۶۵- بیلتون
- ۶۶- صادق فطرت ناشناس
- ۶۷- الفت آهنگ

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۸۳

۶۸- الطاف حسین

۶۹- اکبر نیک زاد

۷۰- استاد صابر

۷۱- استاد شیدا

۷۲- میا شیدایی

۷۳- استاد موسی قاسمی

۷۴- حفیظ الله خیال

۷۵- ریحان

۷۶- خالو شوقی

۷۷- رشیده ژاله

۷۸- نادیه

۷۹- ریتا ورمه

۸۰- شاه محمد کندهاری

۸۱- سید محمد کندهاری

۸۲- دین محمد

۸۳- منور- در پشاور، وفات یافته است.

۸۴- خیر محمد خندان و دیگران.

کارمندان:

۱- غلام حسن نیر

۲- ضیا احمد جاهد

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۸۴

- ۳- عبدالله آفاقی
- ۴- عبدالغنی مهم
- ۵- عزیز ایشان زاده
- ۶- اصغر افضلی
- ۷- نیاز محمد بنایی
- ۸- حبیب الله تخاری
- ۹- اسحاق ایماقی
- ۱۰- عزیز آسوده
- ۱۱- وحید صمدزی
- ۱۲- شهبسوار سنگروال
- ۱۳- گل احمد ذهاب
- ۱۴- سید جان ملال- در پشاور، وفات یافته است.
- ۱۵- زلمی بابا کوهی
- ۱۶- احمد غوث زلمی
- ۱۷- ناصر طهوری
- ۱۸- عبدالله غمخوار
- ۱۹- پروین ملال
- ۲۰- شکریه رمل
- ۲۱- شکریه عمر
- ۲۲- داوود فارانی
- ۲۳- نور جهان فارانی

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۸۵

- ۲۴- شفیقه بشارت
- ۲۵- پرتو نادری
- ۲۶- عبدالحی عابر
- ۲۷- نجیب الله ثاقب
- ۲۸- حسین هدی
- ۲۹- غلام حسین فعال
- ۳۰- جلال نورانی
- ۳۱- عرب شاه مموزی
- ۳۲- لطیف ناظمی
- ۳۳- فوزیه عظیمی
- ۳۴- عبدالوهاب مددی
- ۳۵- نور مراد
- ۳۶- محمد انور وفا
- ۳۷- نور محمد صدیقی
- ۳۸- اسدالله ساپی
- ۳۹- مرتضی فرحت یار
- ۴۰- عبدالاحد میهن یار
- ۴۱- احد ژوند
- ۴۲- احمد پیغام
- ۴۳- عبدالغفور امینی
- ۴۴- محمد حسن میرزی

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۸۶

۴۵- انجنیر لطیف احمدی

۴۶- لطیف بهاند

۴۷- اسماعیل فروغی

۴۸- محمد سرور انوری

۴۹- عایشه جلالی

۵۰- صدیق توخی

۵۱- عزیز رووف

۵۲- امین نوابی

۵۳- حمید پژمان

۵۴- ظاهر طنین

۵۵- عبدالواحد نظری

۵۶- آقا سعید نسیان و دیگران.

در کنار آوازخوانان، گوینده گان و گزارشگران، بعضی از ممثلان رادیو، مانند حاجی محمد کامران، منان ملگری، ف فضلی، ف عبادی، مرتضی بایقرا و به صد ها تن دیگر نیز فرار کرده، مجبور به ترک کشور می شوند.

افزون بر این، ضایعات رادیو و تلویزیون های ولایتی نیز بسیار می باشند. همچنان کارمندان افغان فلم، هنرمندان مشهور سینما و کارکنان تخنیکی آن در بیست سال گذشته، به ویژه در جریان سال های ۱۳۷۱ش - ۱۳۷۶ش مجبور به هجرت شده اند. در این میان، بعضی

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه یی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۸۷

وفات یافته، تعدادی به قتل رسیده و اکثر آنان دور از کشور، زنده گی می کنند.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۸۸

سازمان های اجتماعی - فرهنگی

۱- اتحادیه ی هنرمندان:

این اتحادیه که جهت پیشرفت و رشد هنر و شگوفایی استعداد های آن، ایجاد شده بود «در سال ۱۳۶۱ش در بخش نقاشی ۱۴۰ تن، در بخش تیئاتر ۱۰۲، در بخش موسیقی ۳۳۱، در بخش سینماتوگرافی ۲۵۰ و در بخش مهندسی ۱۰۰ تن عضو داشت. تمام آنان ۹۰۳ تن می شوند. تا آن زمان در چهارده ولایت در حدود ۱۷۰۰ تن، عضویت اتحادیه ی هنرمندان را به دست آورده بودند.»^۱

قبل از سال ۱۳۷۱ش تقریباً در جریان ده سال، بعضی از هنرمندانی که در میان شان آوازخوانان بسیار ورزیده و نامور نیز شامل بودند، از کشور خارج می شوند.

از ۱۳۷۱ش الی ۱۳۷۵ش که کلاً و به طور خاص، شهر کابل را هرج و مرج فرا گرفته بودند، بعضی از هنرمندان از ترس جنگ ها و تنگدستی ها نیز از کشور خارج شده اند.

طی آن سال ها بالای موسیقی و بخش های هنری، محدودیت هایی وضع شدند. این محدودیت ها در آغاز بسیار شدید بودند، ولی بعداً کاهش می یابند؛ حتی کسانی که در نخست، روی چنین محدودیت هایی تاکید می کردند، آهسته آهسته آن ها را تعدیل کردند؛ اما به اثر اوضاع آشفته، هیچ کس، مجال زنده گی و تنفس آزاد نداشت.

۱- سالنامه ی افغانستان، کابل، سال ۱۳۶۱ش، شماره ی ۴۸، ص ۹۵.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۸۹

پس از تغییر رژیم در ۱۳۷۵ش بالای برنامه های موسیقی، آوازخوانان و به ویژه ابزار موسیقی، محدودیت های شدیدی وضع شدند. در صورت سرپیچی از آن ها وعده ی مجازات سنگین نیز داده می شد. اگر آوازخوانی باقی مانده بود و از راه موسیقی به تامین امور زنده گی می پرداخت، مجبور شد کشور را ترک کند.

در سال های ۱۳۷۱ش - ۱۳۷۸ش به ویژه پس از ۱۳۷۵ش، طیف آوازخوانان نسبت به بقیه، بسیار خوار و سرگردان شدند.

۲- اتحادیه ی ژورنالیستان:

«در ۲۵ سنبله ی ۱۳۵۹ش اتحادیه ی ژورنالیستان حین ایجاد نخستین کنگره که چهارصد گزارشگر در آن اشتراک کرده بودند، تاسیس شد. در همین سال، شمار اعضای آن از ۳۷۰ تن به ۷۰۰ تن افزایش می یابد.»^۱ تا سال ۱۳۶۶ش، شمار اعضای این اتحادیه به ۱۹۵۱ تن می رسید. این نهاد در کابل، ۲۲ نماینده گی و در شانزده ولایت، نماینده گی های ولایتی داشت.

در آن زمان از میان ۱۹۵۱ گزارشگر، ۱۳۹۳ در شهر کابل مقیم بودند. ۱۰۲۲ تن آنان را ذکور و ۳۷۱ تن آنان را اناث تشکیل می دادند. از میان ۵۵۸ تن که در نماینده گی های ولایتی مستقر بودند، ۵۰۲ گزارشگر ذکور و ۵۶ گزارشگر اناث بودند.

۱- سالنامه ی افغانستان، کابل، سال ۱۳۶۱ش، شماره ی ۴۸، ص ۹۴۸.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۹۰

«از میان ۱۹۵۱ عضو این اتحادیه، ۱۲ تن دکتور، ۷۷ تن ماستر، ۷۹۹ تن لیسانس و دیگران، صاحب آگاهی های پایین تر از لیسانس بودند.»^۱ تا سال ۱۳۷۱ش کار و فعالیت انجمن ژورنالیستان در حد امکانات، رو به راه بود. در این فاصله، این اتحادیه با اتحادیه های ژورنالیستان جهان، پیوند هایی برقرار کرده بود. بعضی از اعضای اتحادیه، در صدها نشست جهانی، شرکت ورزیده اند. همچنان به دعوت آنان، گزارشگران خارجی در نشست های داخلی شان دعوت می شدند. پس از سال ۱۳۶۵ش یک مجله ی تفریحی به نام «سابوون» نیز از طرف اتحادیه ی ژورنالیستان، منتشر می شد.

با تغییر رژیم در سال ۱۳۷۱ش اتحادیه ژورنالیستان همانند سایر انجمن ها زیانمند می شود. چندین راکت بر تعمیر آن اصابت می کنند. اکثر دارایی هایش به غارت بُرده می شوند. آن اعضای اتحادیه که در گذشته به طور انفرادی، مجبور به هجرت شده بودند، پس از این به گونه ی گروهی، راه مهاجرت را اختیار کرده و در نقاط مختلف جهان، پراکنده می شوند.

تشکیلات اتحادیه بین سال های ۱۳۷۱ش الی ۱۳۷۵ش سالم باقی مانده بودند، ولی شکل ظاهری داشتند. در واقع، نه به لحاظ ماهیت و نه به لحاظ افراد با گذشته قابل مقایسه بودند. پس از سال ۱۳۷۵ش،

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۹۱

تشکیلات ظاهری اتحادیه نیز حذف شدند. اکنون چیزی از آن ها وجود ندارد.

۳- انجمن حقوقدانان:

«انجمن حقوقدانان افغانستان در نخستین نشست که به تاریخ ۲ دلو ۱۳۶۴ش در شهر کابل تدویر شده بود و در آن پنجصد تن از حقوقدانان برگزیده شرکت ورزیده بودند، تاسیس شد. همچنان مشی آن تصویب و به فعالیت آغاز می کند. بعداً این انجمن، تشکیلات خود را وسیع می سازد. در نتیجه، ۲۰۳ حقوقدان جذب و کارت های عضویت را به دست می آورند. این انجمن در مرکز، هجده نماینده گی حفاظت از حقوق را ایجاد و در هفت ولایت دیگر نیز انجمن های حقوقدانان را به فعالیت وامی دارد.»^۱

تا سال ۱۳۷۱ش انجمن حقوقدان در مرکز، صدها مسئله ی حقوقی را پژوهش و به ارگان های دولت جهت حل دشواری ها و مسایل حقوقی مشوره و رهنمایی داده است. همین طور در مورد حقوق مدنی، بشری و امثالهم، هرازگاهی حکومت را مخاطب قرار داده، وقتی دچار تخطی حقوق بشری شده است، انجمن حقوقدانان بالای آن اعتراض کرده است.

۱- سالنامه ی افغانستان، کابل، سال ۱۳۶۶ش، شماره ی ۴۶، صص ۶۳۸-۶۳۹.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۹۲

این که چنین انتقادات و اعتراضاتی بر حکومت آن زمان، تاثیر گذاشته اند یا نه، گمان می رود که بسیار آشکار و ژرف نبوده اند؛ زیرا این نهاد ها از سوی دولت، ایجاد شده بودند.

انجمن حقوقدانان تا سال ۱۳۷۱ش تشکیلات خویش را نگه داشت، ولی فاقد تاثیرات لازم بود؛ زیرا در کشور، هیچ نظام حقوقی، حاکم نبود.

دفتر انجمن حقوقدانان در کابل، به چند جا نقل مکان کرد. اکثر اعضای آن پریشان و پراکنده شدند. بعضی به کشورهای دیگر هجرت کردند. در سال ۱۳۷۵ش هیچ نام و نشانی از آن باقی نماند.

۴- انجمن نویسندگان:

انجمن نویسندگان افغانستان در ۱۲ سنبله ی ۱۳۵۹ش در شهر کابل ایجاد شد. این انجمن، دارای مشی، تشکیلات ویژه و بخش های ذیل بود:

- انجمن نویسندگان جوان
- بخش ارتباطات بین المللی
- بخش تشکیلات
- بخش ادبیات پشتونخوا
- بخش پژوهش
- بخش داستان و بخش شعر

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۹۳

انجمن نویسنده گان در جریان فعالیت، بیش از ۱۴۵ عنوان کتاب علمی، هنری و ادبی را منتشر کرد. همچنان مجله ای به نام «ژوندون» را به دو زبان پشتو و دری انتشار می داد و «قلم»، نشریه ی آن به شمار می رفت. شمار اعضای انجمن نویسنده گان در مرکز، به صدها تن می رسیدند. در بعضی ولایات نیز نماینده گی آن گشوده شده بودند.

بخش جوانان انجمن در مکاتب و مراکز مختلف آموزشی، نماینده گی هایی داشت. اعضای آن ها به صدها تن می رسیدند. انجمن نویسنده گان، دارای شورای مرکزی نیز بود.

انجمن نویسنده گان تا سال ۱۳۷۱ش افزون بر نشر کتاب های زیاد، به صدها نشست خورد و بزرگ، مشاعره و سمینار را تدویر کرده است. در سال ۱۳۷۱ش مصیبت بزرگی بر انجمن نویسنده گان، نازل شد. کتابخانه و محل نگه داری کتاب های آن چپاول شدند. همچنان تعداد زیاد اعضای انجمن نویسنده گان، به سایر کشور ها مهاجر شدند.

این نهاد در سال های ۱۳۷۱ش - ۱۳۷۵ش تنها دو شماره از مجله ی ژوندون و چند شماره ی نشریه ی قلم را به نشر می رساند. همچنان چند نشست ادبی، دایر کرده است.

کاهش اعضای پیشین و نبود سرمایه، انجمن را روزتاروز ناتوان تر می ساخت. بنا بر این در سال ۱۳۷۵ش تشکیل قبلی آن حذف و به جای آن در وزارت اطلاعات و کلتور، آمریت کوچک و جدیدی به نام «شعر و ادب» ایجاد می شود. در این اداره، یک تن برای داستان، یک تن برای بررسی، یک تن برای نویسنده گان جوان، یک تن به حیث مدیر نشریه

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۹۴

و یک تن به عنوان آمر چاپ، جزو تشکیلات بودند. یعنی تمام تشکیلات آن چنین است:

- ۱- کارمندان حرفه بی رسمی هفت تن و کارمندان موجود پنج تن.
- ۲- کارمندان رسمی اداری سه تن و کارمندان موجود دو تن.
- ۳- کارمندان حرفه بی اجیر چهار تن و کارمندان موجود یک تن.
- ۴- کارمندان غیر حرفه بی اجیر پنج تن و کارمندان موجود چهار تن. ۱ تعداد نویسندگان عضو این اداره به گونه ی رسمی، ثبت نشده است. اگر اداره ی کنونی شعر و ادب را با تشکیلات قبلی انجمن نویسندگان مقایسه کنیم، تقریباً کاهش هشتاد درصد تشکیلات و صد درصد نشرات را نشان می دهد.

۱- وزارت اطلاعات و کلتور، گزارشی از اداره ی شعر و ادب، کابل، سال ۱۳۷۸ش.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۹۵

پوهنتون کابل

پوهنتون کابل، بزرگترین مرکز تحصیلی کشور می باشد. از آغاز اعمار آن تا کنون، تعداد زیاد نخبه گان حرفه بی را تقدیم کرده است. این نهاد از ۱۳۱۱ش الی ۱۳۶۲ش در کُل، چهل هزار فارغ داشت. چنان چه قبلاً یادآور شدم، در مراحل مختلف، مصایبی بر پوهنتون کابل وارد آمده اند. ده ها تن از استادان آن زندانی، کشته، از وظایف برکنار یا مجبور به هجرت شده اند. پس از سال ۱۳۷۱ش، مصایب وارده بر پوهنتون کابل در تاریخ این پوهنتون، بی پیشینه بودند.

کتابخانه ی مرکزی، کتابخانه های چهارده گانه ی پوهنخی ها، موزیم و گالری آن از بین رفتند. نه تنها استادان مجبور به فرار شدند، بل خود پوهنتون نیز به شش منطقه ی مختلف کابل، مهاجر شده است، اما در محلی آرام نگرفته، مجبوراً به مکان دیگری منتقل می شد. در نتیجه ی همین گردش ها بعضی استادان پوهنتون از پیوند با آن بی بهره می مانند. در جریان نبردها تعدادی از استادان پوهنتون کابل از نعمت زنده گی نیز محروم شده اند. این نهاد با سرعت زیاد، کدر هایش را از دست می داد.

جریان هجرت استادان که از دهه ی گذشته، آغاز یافته بود، در این دهه به سطح بالا رسید. به ویژه شمار هجرت استادانی افزایش یافت که در کشور های خارجی، آموزش عالی دیده بودند.

پیش از آغاز تراژیدی، پوهنتون کابل با پوهنتون های معتبر کشور های دیگر، پیوند داشت. اکثر استادان پوهنتون کابل به خاطر اخذ ماستری و

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۹۶

دکتورا به خارج می رفتند و پس از آموزش بازمی گشتند. این روند در سال ۱۳۵۷ش اندکی گُند شد، ولی بار دیگر در دهه ی ۶۰ش افزایش می یابد. البته بیشتر شامل کشور هایی می شد که با دولت های وقت، ارتباط خوب داشتند.

پس از سال ۱۳۷۱ش ارتباطات پوهنتون های سایر کشور ها با پوهنتون کابل، قطع شد. شمار استادان قبلی یا آنانی که در کشور های خارجی، آموزش عالی یافته بودند، روزتاروز کم تر می شد. کدر های جدید، نه به لحاظ کمیت و نه به لحاظ کیفیت، به اندازه ای بودند تا جای استادان گذشته و ماهر را پُر کنند. به این دلیل تا سالیان بعد نیز تشکیل اصلی پوهنتون که ۷۵۰ استاد می باشد، هیچ گاه کامل نشد و حتی به حد اوسط نرسید.

از ۱۳۷۱ش الی ۱۳۷۵ش رقم کُل استادان پوهنتون کابل با کدر های جدید، به بیش از سیصد تن ارتقا یافت. پس از سال ۱۳۷۵ش با وجود این که باز هم استادان جدیدی جذب شدند، ولی به دلیل انفکاک و مهاجرت، این رقم به ۲۶۰ تن کاهش می یابد. در طول ناگواری ها، پوهنتون کابل، اکثر استادان ماهر خود را از دست داد. شمار مجموعی آنان به ده ها تن می رسد.

در دهه ی ۶۰ش، استادان پیشین پوهنتون کابل، زیاد بودند. اکثر آنان در کشور های خارجی، به ویژه در کشور های غربی، آموزش عالی دیده بودند. مثلاً اگر سال های ۱۳۶۲ش - ۱۳۶۳ش را در نظر بگیریم، تعداد استادان به ترتیب پوهنخی ها و نوع درجه، چنین است:

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۹۷

پروفه‌چی	ایستادن	مستر	داکتر	پوهاند	پوهوال	پروفندوی	پوهنملم	پوهنتار	پوهنالی	استادان خارجي
حقوق	۱۸	۷	۲	۰	۰	۴	۴	۴	۱۷	۴
علوم طبیعی	۲۲	۲۴	۱۲	۴	۱۰	۱۰	۸	۲	۲۰	۴
زبان و ادبیات	۷۲	۳۵	۱۰	۵	۵	۱۳	۱۷	۱۹	۲۲	۲۴
شرعیات	۹	۱۰	۰	۲	۴	۱	۳	۳	۲	۰
انجنیری		۱۴	۴	۰	۴	۵	۸	۵	۱۰	۰
زراعت	۱۱	۲۵	۸	۹	۳	۱۳	۸	۲	۹	۲
اقتصاد	۱۰	۸	۸	۳	۲	۲	۴	۴	۷	۱۲
فارمسی	۱۲	۰	۱۱	۳	۲	۲	۲	۳	۱۱	۰
وترفنری	۱۴	۱۰	۷	۱	۲	۳	۳	۸	۱۴	۴
علوم اجتماعی	۲۸	۱۱	۵	۵	۵	۵	۸	۵	۲۳	۹
تعلیم و تربیه	۵	۱۵	۴	۱	۱	۸	۵	۷	۴	۲
زمین شناسی	۱۱	۱۲	۴	۳	۲	۷	۷	۳	۱۰	۰ ^(۱)

از میان این استادان، شماری به مرگ طبیعی و یا هم به اثر تقاعد، از کدر پوهنتون، حذف شده اند.

استادانی که در کشور های غربی، آموزش های عالی دیده بودند، با گذشت زمان و با فرآهم آمدن فرصت، نود درصد به همان کشور ها پناه بُرده اند.

استادانی که در شوروی پیشین یا در کشور های بلاک کمونیستی، آموزش دیده بودند، اکثراً به همان کشور ها و یا هم از راه آن ها به غرب و جا های دیگر، پناه می برند.

۱- کتلاک پوهنتون کابل، سال های ۱۳۶۲ش-۱۳۶۶ش، ص ۱۲۴.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۹۸

استادانی که در فهرست بالا در سال ۱۳۶۳ش در پوهنتون کابل، مشغول تدریس بودند، در جریان یک دهه، نود درصد، این نهاد را ترک گفته اند.

اگر کشتار، گرفتاری، ترور، انفکاک اجباری و غیره در نظر گرفته شوند، رقم کل ضایعات کدر های پوهنتون کابل در دو دهه، از مهاجر و متوفی، پانصد الی هفتصد تن تخمین می شود.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۹۹

اکادمی علوم افغانستان

اکادمی علوم افغانستان به عنوان بزرگترین مرکز تحقیقاتی - علمی کشور از سال تاسیس تا ۱۳۷۱ش خدمات قابل ملاحظه ی علمی و فرهنگی، انجام داده است. در این نهاد، به ده ها آگاه و محقق، پروژه های زیادی را تحقیق و به ده ها عنوان کتاب را منتشر کرده اند. اکادمی علوم در سال ۱۳۵۹ش ۲۱۰ تن عضو علمی داشت. با گذشت زمان و همانند مراکز علمی دهه ی اخیر، ضایعات این نهاد افغانستان نیز زیاد بودند.

کارمندان اکادمی علوم بر اساس احصائیه می گویند که این نهاد از ۱۳۵۸ش الی ۱۳۶۵ش دو درصد، از ۱۳۶۵ش الی ۱۳۷۱ش هشت درصد و از ۱۳۷۱ش الی ۱۳۷۵ش سی و پنج درصد کدر های علمی خود را از دست داده است. اکثر آنان یا مهاجر و یا هم از کار برکنار شده اند. تا سال ۱۳۷۵ش کلاً بیست و چهار تن از اعضای اکادمی علوم، منفک شده بودند.

در آغاز سال ۱۳۷۸ش صد تن از اعضای اکادمی علوم، باقی مانده بودند. در این مدت، چند اکادمیسین، کاندیدای اکادمیسین، بیش از پانزده دکتور، ماستر و به ده ها لیسانس که رتب مختلف علمی داشتند، از این نهاد برکنار، مجبور به ترک وظیفه و هجرت و یا هم نیست شده اند.

تنها مرکز علوم اجتماعی اکادمی علوم، پنجاه و هشت تن از نخبه گان و پژوهشگران خویش را از داده است. مرکز زبان و ادبیات و مرکز

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۱۰۰

جهانی تحقیقات پشتو نیز بیش از پنجاه و دو تن از کدر هایش را از دست می دهد. به این نسبت، سایر بخش های اکادمی علوم، مانند مرکز باستان شناسی، مرکز زمین شناسی و معاونیت علوم اسلامی نیز تعداد زیاد نخبه گان و پژوهشگران را از دست می دهند. قابل یادآوری ست هرازگاهی که یک مرحله ی نو، جای قبلی را گرفته است، بعضی از کدر های علمی از اکادمی علوم رفته اند. اگر ضایعات بیست ساله ی کدر های اکادمی علوم کشور در نظر گرفته شوند، تقریباً به ۵۰۰ تن می رسند.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۱۰۱

چند پیشنهاد و پایان

قبل بر این و در مراحل مختلف، انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان را ارزیابی کرده ایم. هرازگاهی که یک آموزش یافته از کشور بیرون می رود، پیش از همه با دشواری های زنده گی جدید رو به رو می شود؛ زیرا آموزش های حرفه بی او برای نیاز های جامعه اش بودند، نه برای جوامع دیگر.

تعداد اندک نخبه گان حرفه بی که در پاکستان، ایران و در موسسات امداد رسانی خارجی کار می کنند، به حرفه ی نزدیک به تحصیل شان دست یافته اند، اما شماری به خاطر تامین نیاز های زنده گی، به پیشه های غیر مسلکی، تن داده اند.

جدا از دشوار های زنده گی، افغانان آموزش دیده در هجرت، با دشواری های مختلف فکری، سیاسی و غیره رو به رو بوده اند. این دشواری ها در پاکستان و ایران، بیش از هر کجایی محسوس هستند. در این کشور ها، ساحه ی زنده گی افغانان آموزش دیده، بسیار تنگ بود، حتی با خطرات و تهدیدات شدید مواجه بوده اند.

افغانان نخبه که در برابر بی عدالتی های سیاسی، فکری و غیره واکنش نشان داده اند، از سوی حاکمان و گروه های مشخص سیاسی و نظامی، به سرعت به قتل می رسیدند.

بر اساس یک گزارش سازمان عفو بین الملل در جریان چند سال گذشته، تنها در پاکستان، بیست و یک افغان آگاه و آموزش دیده، ترور شده اند. پوهاند دکتور بهاءوالدین مجروح، دکتور نسیم لودین،

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۱۰۲

عزیر الرحمن الفت و امثالهم، مثال های آشکار آن اند. این عوامل و مصایب دیگر، افغانان آموزش دیده را از یک هجرت به هجرت دیگر کشانده اند. بنا بر این، افغانان زیادی در اطراف جهان، پراکنده می شوند.

در افغانستان کنونی، خلای بزرگ نبود و کاهش کدر های حرفه بی به شدت احساس می شود. به لحاظ حرفه، عدم تامین نیاز های جامعه از آن، از مشکلات عدیده خواهد بود و حکومت آینده با آن رو به رو خواهند شد، ولی افزون بر این، آن چه باعث مسرت است، افغانانی که به کشور های دیگر رفته اند، بازمانده گان آنان در آن جا ها به آموزش ها دست یافته اند. معیار این آموزش ها بلندتر از سطحی ست که در سال های گذشته در افغانستان جنگ زده، جریان داشت. آنان در کشور های دیگر، علوم عصری را آموخته اند و خود را در بخش های مختلف علمی رسانده اند. این که این افغانان، دوباره به کشور خویش باز می گردند یا نه؟ سوال برانگیز است.

افغانانی که به گونه ی ویژه آموزش دیده و در اطراف جهان مقیم اند، اما بخش بزرگ زنده گی را در میهن سپری کرده بودند، با وجود آسایش و رفاه، اما به لحاظ ذهنی و روانی، برای کشور و مردم خویش بسیار نگران می باشند. اگر برای آنان زمینه ی آسایش در کشور خودشان میسر شود، بسیار ممکن است برگردند. همچنان گفته آید که اکثر آنان، مسیر طولانی زنده گی و تجربیات علمی را سپری کرده اند. نیروی اندک کاری و ذهنی دارند. اگر هم دوباره برگردند، بیشتر به

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۱۰۳

لحاظ روانی اطمینان می یابند، ولی توانایی کار های زیاد را نخواهند داشت. گمان دیگر این است که سطح اقتصاد و رفاه حیات شان در خارج از کشور، بیش از زمانی ست که در گذشته و در جامعه ی خودشان داشتند. به این دلیل نیز امید بازگشت آنان کاهش می یابد. گروه دوم، افغانانی اند که در میان سالی، کشور را ترک کرده اند. این افراد نیز ممکن است با مردم و کشور خود، محبت خود را حفظ کنند. آنان با فراهم شدن شرایط، شاید علاقه مند بازگشت باشند، ولی به آسانی زنده گی و رفاهی را که در خارج به دست آورده اند، قربانی احساسات نخواهند کرد.

گروه سوم، افغانانی اند که مدت کوتاه زنده گی را در افغانستان سپری کرده اند، اما اکثراً در کشورهای دیگر، به سر بُرده اند. احساس ملی و شور چنین هموطنانی نسبت به گروه های بالا، اندکی کم رنگ به نظر می آید؛ زیرا آنان، خوی کشورهای را می گیرند که در آن جاها زیست می کنند. آموزش، فرهنگ، رفتار و ویژه گی های شان، متاثر از اجتماعاتی ست که در آن جاها حیات به سر می برند.

حالا این پرسش به میان می آید که آیا امکاناتی میسر خواهند شد تا افغانان مهاجر، دوباره به کشور برگردند؟ این امکانات، کدام هایند و چه نوعیتی دارند؟ در این باره می توان گفت: اگر واقعاً یک حکومت مترقی و ملی در افغانستان ایجاد شود که مهم ترین هدفش پیشرفت کشور و آسایش مردم باشد، امکان دارد راه حل هر مشکلی یافت شود.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۱۰۴

حکومت ملی، باید بیش از هر چیز، دشواری ها را تشخیص داده و در پی رفع آن ها برآید.

هر حکومتی اگر بخواهد افغانان دوباره به کشور برگردند، بیش از هر مورد، لازم است فضای سالم ذهنی را مساعد کرده، اختناق فکری، زورسالاری سیاسی و فشارهایی را که باعث فرار قشر باسواد می شوند، از میان بردارد. معیار علم و حرفه در نظر آید و به مصداق «کار به اهل کار سپرده شود.» همچنان فعالیت علمی، پشتیبانی مادی را به دست آورده و ارزش های معنوی، جاه دوباره یابند.

افغانانی که در خارج زیست می کنند، در تعیین سرنوشت کشور، برای شان سهم داده شود. این کار، ارتباط ذهنی و دایمی آنان با میهن را بیشتر کرده و حس دوری را می زداید. بنا بر این، برای افغانان مقیم خارج، سهولت برگشت موقتی و دایمی میسر شود. آنان تشویق شوند به رضایت خود در بازسازی اقتصادی و فرهنگی، سهم بگیرند.

افغانانی که در خارج آموزش یافته اند، با ارزش های علوم عصری می توانند در بازسازی فرهنگی و اقتصادی کشور، سهم اساسی بگیرند.

اگر حکومت ملی بتواند با کشورهایی تفاهم کند تا امتیازاتی را که افغانان مقیم در آن جا می گیرند، پس از بازگشت به افغانستان نیز به دست آورند، این موضوع می تواند در بازگشت و پنداران، مفید واقع شود.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۱۰۵

انکشافات تخنیکي، روزتاروز بیشتر می شوند. حکومت ملی می تواند توسط ابزار تخنیکي نو با افغانان مقیم خارج، تماس برقرار کند. از این طریق، برگشت آنان یا زمینه ی جلب کمک ها را نیز میسر می سازد. همچنان حکومت ملی می تواند از طریق سفارت های افغانستان در خارج با افغانان مقیم سایر کشورها تماس دایمی برقرار کرده و نشست های فرهنگی ایجاد کند.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۱۰۶

منابع و ماخذ:

- ۱- حبیب الله رفیع، آغاز و انکشاف آموزش های عصری در افغانستان، پشاور، سال ۱۳۷۷ش.
- ۲- شبآهنگ، بازسازی نهاد های فرهنگی افغانستان، انجمن نویسنده گان افغانستان آزاد، پشاور، سال ۱۳۷۶ش.
- ۳- گزیده ی شاخص های احصائیه یی، ریاست نشرات وزارت احصائیه، کابل، سال ۱۳۷۰ش.
- ۴- Afghan Refugee Bulletin , UNHCR , Februray , 1999.
- ۵- حقایق تاریخی و ارقام احصائیه یی در باره ی کابل، اداره ی مرکزی احصائیه، سال ۱۳۶۲ش.
- ۶- سالنامه ی افغانستان، کابل، سال ۱۳۶۱ش.
- ۷- پوهنمل دکتور نجیب الله فایز، مجله ی علوم اجتماعی، پوهنتون کابل، سال ۱۳۶۸ش.
- ۸- سالنامه ی احصائیه یی، وزارت احصائیه، کابل، سال ۱۳۶۹ش.
- ۹- پوهنیار محمد نبی فراهی، مجله ی هیله، شماره ی ۱، پشاور، سال ۱۳۷۶ش.
- ۱۰- گزارشی از وزارت امور خارجه، کابل، سال ۱۳۷۷ش.
- ۱۱- سالنامه ی افغانستان، کابل، سال ۱۳۶۶ش.
- ۱۲- پوهاند غنچه گل ساپی، مجله ی ننگرهار، سال ۱۳۷۷ش.
- ۱۳- گزارشی از اداره ی شعر و ادب وزارت اطلاعات و کلتور، کابل، سال ۱۳۷۸ش.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۱۰۷

۱۴- کتلاک پوهنتون کابل، سال های ۱۳۶۲ش - ۱۳۶۳ش.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۱۰۸



معرفی مصطفی «عمرزی»
(نویسنده، پژوهشگر و روزنامه نگار)

- متولد ۲ عقرب سال ۱۳۶۲ در کابل.
- فارغ از «لیسه ی عالی استقلال» در سال ۱۳۷۸.
- فارغ به سویه ی دیپلوم از بخش «رادیو و تلویزیون» پوهنځی ژورنالیزم پوهنتون کابل در سال ۱۳۸۲.
- دارنده ی گواهینامه ی «گزارشگر انتخابات» از پروژه های آموزشی شبکه ی جهانی BBC.

تجربیات کاری:

عضو شورای مرکزی، گزارشگر، خبرنگار، روزنامه نگار، مدیر مسوول نشریه، همکار قلمی، مصحح، نویسنده، تهیه کننده، کارگردان، مسوول ارزیابی نشرات، مسوول طرح و ارزیابی و مسوول واحد فرهنگی در نهاد ها و رسانه هایی چون اتحادیه ی ملی ژورنالیستان افغانستان، اتحادیه ی ملی ژورنالیستان و خبرنگاران افغانستان، انجمن شاعران و نویسندگان افغانستان، هفته نامه ی «قلم»، تلویزیون «۱»، رادیو و تلویزیون «باختر»، فصلنامه ی «بنیان اندیشی» (منتشره در جمهوری اسلامی ایران)، روزنامه ی «سرخط»، مجله ی «اوربند»، گاهنامه ی «تحریک»، وب سایت «پول افغان»، وب سایت «پول افغانستان»، وب سایت «دعوت میدیا ۲۴»، وب سایت «تاند»، وب سایت

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۱۰۹

«روهی»، وب سایت «حقیقت»، وب سایت «دانشنامه ی افغان»، وب سایت «سمسور»، وب سایت «لر او بر»، وب سایت «نن»، وب سایت «خبرپانه»، وب سایت «کتابتون» و واحد تولید «آمو فلم».

آفرینش های کاری- فرهنگی

برنامه ها و فلم های مستند تلویزیونی:

۱- برنامه ی مستند تاریخی «یک سده فراز و نشیب» در تلویزیون «باختر»: ۱۴ قسمت ۲۴ دقیقه یی.

۲- برنامه ی مستند تاریخی «آینه ی تاریخ» در تلویزیون «باختر»: ۱۸ قسمت ۲۴ دقیقه یی.

۳- برنامه ی مستند ادبی «نای» در تلویزیون «باختر»: ۲۰ قسمت ۲۴ دقیقه یی.

۴- فلم مستند «۲۶ سرطان» در تلویزیون «باختر»: ۲۴ دقیقه.

۵- فلم مستند «پژواک کوهسار» (پیرامون زنده گی مرحوم فقیر فروزی) در تلویزیون «باختر»: ۴۰ دقیقه.

تخلیقات:

۱- صحبت های مغاره نشینان (طنزی)- منتشر شده است.

۲- افغانستان و بازار آزاد (سیاسی- اجتماعی)- منتشر شده است.

۳- مرز و بوم (تاریخی).

۴- چهار یادواره (معرفی چهار فرهنگی افغان)- منتشر شده است.

۵- سخن در سخن (معرفی کتاب ها).

۶- یک قرن در تاریخ و افسانه (تاریخ تحلیلی و شفاهی افغانستان از ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۰ میلادی)- منتشر شده است.

۷- افغاننامه (مشاهیر افغان)- منتشر شده است.

۸- پشتون ها (تحلیلی)- منتشر شده است.

۹- رسانه ها، مدیریت و نوسان ها (رسانه یی).

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۱۱۰

- ۱۰- در هرج و مرج زیستن (سیاسی - اجتماعی).
- ۱۱- تاریخ عمیق (طنزی).
- ۱۲- اندیشه در بستر سیاست و اجتماع (مقالات منتشره در روزنامه ی سرخط) - منتشر شده است.
- ۱۳- با زبان دری (تحقیقی - تحلیلی) - منتشر شده است.
- ۱۴- روزگار (نوستالژی).
- ۱۵- پاسخ (واکنش ها).
- ۱۶- تامل و تعامل فرهنگی (فرهنگی).
- ۱۷- ارتجاع و مرتجع (انتقادی).
- ۱۸- سیر فرهنگی (فرهنگی).
- ۱۹- پی آمد تصویر (فلم و سینما).
- ۲۰- در منظر بیگانه (تحلیلی).
- ۲۱- ذهنیت متنازع (ابراز نظر).

جزوه ها:

- ۱- به رنگ آبی (زنده گی شهید مینا).
- ۲- مردی از سرزمین آزاده گان (زنده گی و برنامه ی انتخاباتی محمد شفیق گل آقا شیرزی).
- ۳- محمد نادر «نعیم» (زنده گی و برنامه ی انتخاباتی محمد نادر نعیم).

تالیفات:

- ۱- هنر در سینمای افغانان (فلم هنری سینمایی افغانستان از ۱۳۲۷ تا امروز) - منتشر شده است.

گردآوری ها:

- ۱- زمانی که مفاخر ناچیز می شوند (تنقید تاریخی) - منتشر شده است.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۱۱۱

- ۲- حقیقت خورشید (پیرامون کلمات افغان و افغانستان) - منتشر شده است.
- ۳- در جغرافیای جهان سوم (بررسی ستم ملی و ستیز قومی در ایران).
- ۴- در متن مدعا (اهل سنت در جمهوری اسلامی ایران).
- ۵- نگرش نو بر شاهنامه و فردوسی (تنقید فردوسی و شاهنامه) - منتشر شده است.
- ۶- مَنحنی تاریخ (تنقید کوروش و سلسله ی هخامنشی) - منتشر شده است.
- ۷- آریاییسم (تنقید پدیده ی آریایی) - منتشر شده است.
- ۸- پور خرد (معرفی زنده یاد استاد ناصر پورپیرار) - منتشر شده است.
- ۹- دری افغانی (پیرامون زبان دری و ویژه گی های آن) - منتشر شده است.
- ۱۰- آیین های سخیف (تنقید ادیان زردشتی، مزدکی و مانوی) - منتشر شده است.
- ۱۱- کتاب نامه ی من (پیرامون زنده گی و کارنامه ی مصطفی عمرزی).
- ۱۲- پندار ستمی (تنقید و بررسی پدیده ی معروف به ستمی).
- ۱۳- آرکایسم (تنقید باستانگرایی) - منتشر شده است.
- ۱۴- معنی (گزیده هایی از سخنان اندیشمندان).
- ۱۵- محوطه ی سیاه (تبیین و بررسی فارسیسم).
- ۱۶- رسالت ملی (کارنامه ی محمد طارق بزگر).

ترجمه ها:

- ۱- تا حصار پنتاگون (سفرنامه ی واشنگتن): محمد اسماعیل «یون» - منتشر شده است.
- ۲- رسانه های کنونی افغانی: محمد اسماعیل «یون» - منتشر شده است.
- ۳- ساختار هندسی شعر پشتو: محمد اسماعیل «یون» - منتشر شده است.

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۱۱۲

- ۴- انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
- ۵- تخت دهلی را فراموش می کنم (سفرنامه ی هند): محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
- ۶- افغانستان در پیچ و خم سیاست: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
- ۷- اگر جهانیان شکست بخورند؟: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
- ۸- درست نویسی پشتو: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
- ۹- فقر فرهنگی: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
- ۱۰- در قلب کرملین (سفرنامه ی مسکو): محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
- ۱۱- مشی «تحریک ملی افغانستان»- در اختیار «د افغانستان ملی تحریک»، قرار داده شده است.
- ۱۲- اساسنامه ی «روند ملی جوانان افغان»- در «اختیار روند ملی جوانان افغان»، قرار داده شده است.
- ۱۳- اساسنامه ی «انجمن پیشرفت و رفاه زنان افغان»- در اختیار این نهاد، قرار داده شده است.
- ۱۴- اساسنامه ی «حزب حرکت مردمی افغانستان»- در اختیار این حزب، قرار داده شده است.
- ۱۵- مرامنامه ی «حزب حرکت مردمی افغانستان»- در اختیار این حزب، قرار داده شده است.
- ۱۶- ناگفته های ارگ: محمد اسماعیل «یون».

همکاری های فرهنگی با دیگران در تهیه ی کتاب ها، فلم ها و برنامه ها
کتاب ها و نشریات:

انگیزه های فرار نخبه گان حرفه بی از افغانستان:

ترجمه ی م. عمرزی / ۱۱۳

«سایه بان بی سایه»، «تحقیقی پیرامون سوابق تاریخی و موقف حقوقی قرارداد و خط دیورند»، «پشتونستان»، «پژواک؛ زنده ی جاویدان است»، «منار نجات»، «حکیمیت انگلیس در سیستان»، «زنده گی امیر دوست محمد خان - جلد اول» و «پیروزی» (راجع به احمد یاسین سالک قادری).

فلم ها و برنامه های تلویزیونی:

«مستند باختر» (برنامه ی تاریخی)، برنامه ی اجتماعی «همتا»، «بازتاب اعتماد مردم» (سلسله ی انتخاباتی) و «شهید ملت» (مستند زنده گی شهید عبدالحق).
تأییدات فرهنگی - مدنی:

- ستایشنامه ی «پوهنخی ژورنالیزم» پوهنتون کابل در سال ۱۳۸۲ش.
- ستایشنامه ی «مجمع صلح افغانستان» در سال ۱۳۸۶ش.
- ستایشنامه ی «شورای ژورنالیستان افغانستان» در سال ۱۳۹۳ش.
- ستایشنامه ی «مشرانو جرگه ی افغانستان» در سال ۱۳۹۶ش.

By : M.Ismael Yoon

Causes of Afghan Brain Drain



Transleted into Afghan Dari by :
Mustafa Omarzai

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**